

" ماهنامه خبری یاسین تایمز "

بر استاد ایلیا و جمعیت ال یاسین در اردیبهشت ماه 88 چه گذشت؟



به نام آزادی

با درود و سپاس از تمامی مدافعان و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا و تمامی پایگاه های خبری که همواره یاریگر افشار تحت ظلم و جنایات ضد بشری هستند.

پایگاه خبری یاسین تایمز (وابسته به جمعیت ال یاسین) اخبار اردیبهشت ماه مرتبط با جمعیت ال یاسین، رهبر این جمعیت (آقای پیمان فتاحی) و 4 عضو دربند این جمعیت نازی حسامی و مرتضی رسولیان و میترا نجفی و علیر نیک فرمان را به اطلاع می رساند و خواستار انعکاس این اخبار، ظلم ها و تعدی ها و بی عدالتی ها و فشارهای چندین ساله وارده بر جمعیت فرهنگی- معنوی ال یاسین در گزارشات ماهانه مدافعان حقوق بشر و سایر پایگاه های فعالان مدنی است.

با تشکر

پایگاه خبری یاسین تایمز

اردیبهشت 88

نگاهی بر وضعیت بازداشت شدگان جمعیت ال یاسین در اردیبهشت ماه سال 1388

استاد ایلینا (پیمان فتاحی)



- 120 روز حبس در سلول انفرادی
- رنگ پریدگی شدید صورت، کاهش وزن غیر طبیعی، تشدید خونریزی از گوش و بینی، ورم صورت و استفراغ های خونی در اثر شکنجه
- عدم امکان ملاقات با وکیل پرونده آقای محمد اولیایی فر

- شکنجه روانی فرزندان خردسال در جریان ملاقات با پدر خود
- عارضه قلبی و تنفسی در اثر شکنجه در زندان اوین

- شکنجه های روانی و جسمی برای ضبط فیلم اعترافات تلویزیونی
- عدم رسیدگی پزشکی و اورژانسی به وضعیت بحرانی آقای فتاحی
- حضور رئیس بند 209 در جلسات بازجویی به دستور وزیر اطلاعات آقای محسنی اژه ای

- بستری شدن در بیمارستان در اثر شکنجه های جسمی گسترده
- محرومیت از امکان خرید، ملاقات، معاینه پزشکی و هواخوری
- محبوس شدن در زیرزمین پر از موش زندان اوین به مدت دو ماه و نیم

یاسین تایمز: پایگاه خبری جمعیت ال یاسین

- مجبور کردن ایشان به کارهای پست از قبیل جارو زدن و تی کشیدن علیرغم بیماری تنفسی و قلبی در زندان اوین
- فشردن بیش از حد گلوی ایشان توسط بازجویان که این امر منجر به خفگی موقت ایشان گردید.

- تهدید به حبس همسر و شاگردان و تحویل فرزندان خردسال به پرورشگاه در صورت عدم همکاری با بازجویان برای ضبط فیلم اعترافات
- رو در رو کردن ایشان با عوامل نفوذی وزارت اطلاعات و پر کردن فیلم تخریبی در حضور ایشان

- تهدید آقای فتاحی به خروج پرونده از روال سیاسی- امنیتی از طریق شاکی خصوصی سازی

مرتضی رسولیان



- حبس در زندان اوین به مدت 120 روز
- تحت فشار روانی برای همکاری با بازجویان
- برای ضبط فیلم اعترافات تلویزیونی
- عدم امکان ملاقات با وکیل خود

نازی حسامی



- حبس در زندان اوین به مدت 120 روز
- تحت فشار روانی برای همکاری با بازجویان
- برای ضبط فیلم اعترافات تلویزیونی
- عدم امکان ملاقات با وکیل خود
- بی خبری خانواده وی از وضعیت ایشان در زندان

میتر ا حاجی نجفی



- حبس در زندان اوین به مدت 72 روز
- ممنوع الملاقات
- ابتلا به ناراحتی های چشمی در زندان اوین
- بازداشت و تحت فشار روانی قرار دادن آقای
- علیار نیک فرمان (پسر خانم نجفی) بعنوان اهرم
- فشار برای همکاری با بازجویان

علیار نیک فرمان



- حبس در زندان اوین به مدت 62 روز
- آزادی آقای نیک فرمان با قید وثیقه سنگین 2
- میلیارد ریالی در تاریخ 14 اردیبهشت ماه

87/2/9

● شکنجه روانی کودکان خردسال رهبر جمعیت ال یاسین در جریان ملاقات با پدر زندانی خود

بعد از سه ماه ممنوع الملاقات بودن استاد ایلیا (پیمان فتاحی) و تلاشهای آقای اولیایی فر وکیل پرونده و همسر استاد ایلیا برای ملاقات فرزند بیمارشان با پدر، در نهایت در تاریخ 7-2-88 قاضی حداد دستور این ملاقات را صادر کرد اما به دلیل توافقات پنهان میان بازجویان پرونده و منشی دادگاه، این اجازه به بازداشتگاه ابلاغ نشد و پس از بارها پیگیری بالاخره امکان این ملاقات در حالی فراهم گردید که دایره مذاهب وزارت اطلاعات، ملاقات را نیز به حربه ای برای شکنجه روانی اعضای این خانواده تبدیل کرد. جزئیات این ملاقات طی گزارشی از سوی یکی از اعضای جمعیت به این گروه خبری ارسال شد که این گزارش در ادامه به اطلاع می رسد:

"پس از تلاش بسیار برای اخذ اجازه ملاقات کودکان بیمار استاد ایلیا با پدرشان، بازجویان در کمال ناباوری دو کودک خردسال یک و چهار ساله را با بی اعتنائی به فریادهای آنها از مادر جدا کرده و همراه خود برای ملاقات پدرشان بردند که این موضوع باعث وحشت ایلپاهو شد. این کودک 4 ساله فریاد می کشید که شما می خواهید مرا شکنجه بدهید و بازجویان هم فریاد می زدند که ما نمی خواهیم تو را شکنجه دهیم و تکرار کلمه شکنجه با صدای بلند، خود موجب تشدید تنش این کودک خردسال می شد. پس از آن با توجه به اینکه به استاد حتی اجازه اصلاح صورت و استفاده از پوشش معمول داده نشده بود، ایلپاهو پدرش را شناخت و فریاد می زد که این پدر من نیست. در این هنگام بازجویان در حضور این کودک 4 ساله بر سر پدر فریاد می کشیدند و در مورد شکنجه شدن پدر حرف می زدند و از ایشان می خواستند که به فرزند خود بگویند که شکنجه نشده است که این موضوع وحشت کودک بیمار ایشان را بسیار بالا می برد.

در این هنگام خانم شباب حسامی پس از بیشتر شدن صدای فریاد کودکش ناگزیر خود را به سالن ملاقات می رساند تا فرزند وحشت زده خود را آرام کند که بازجویان در حضور کودکان بر سر ایشان فریاد می کشیدند که چرا مداخله می کند و خانم حسامی کودک خود را به بیرون از سالن هدایت می کند تا او را که

بسیار بی قرار و مضطرب بوده برای ملاقات آرام نماید که پس از آن جلادان امنیتی در حالی که بنا به رای قاضی هنوز 20 دقیقه از زمان ملاقات باقی مانده بود، دیگر اجازه دیدار این کودک خردسال را با پدرش نمی دهند."

لازم به ذکر است که ایلپاهو در حال حاضر به دلیل ابتلا به بیماری "اضطراب جدایی" در حال درمان بوده و دارو مصرف می کند. از سوی دیگر وضعیت نامناسب جسمانی و رنگ پریدگی آشکار استاد ایلپا در این ملاقات سند دردناک دیگری بر شکنجه جسمی ایشان در روزهای اخیر بوده و بیش از پیش موجبات نگرانی اعضای جمعیت ال یاسین را برانگیخته است.

87/2/14

● نصب پلاکاردهای حمایت از رهبر دربند جمعیت ال یاسین به مناسبت هفته بزرگداشت معلم در سطح تهران

بامداد امروز 14-2-88 پلاکاردهایی با شعار «ایلپا را آزاد کنید» در نقاط متعددی از بزرگراه ها و خیابان های سطح تهران رویت گردید. شاگردان استاد ایلپا (پیمان فتاحی) به مناسبت هفته بزرگداشت معلم، با نصب پلاکاردها و بنرهایی حاوی تصاویر وی و شعارهای «ایلپا؛ معلم بزرگ تفکر» و «ایلپا را آزاد کنید» در نقاط متعددی از بزرگراه های اصلی شهر تهران حمایت خود را از معلم دربندشان اعلام کردند. نصب این پلاکاردها بر پل های بزرگ شهر از جمله پل بزرگراه

مدرس-همت، پل بزرگراه همت- پاسداران، پل بزرگراه همت-شیخ بهایی، پل بزرگراه یادگار امام- حکیم، پل حافظ- انقلاب، پل بزرگراه گیشا- چمران در اعتراض به بیش از سه ماه حبس غیر قانونی در سلول انفرادی و وخامت حال

جسمانی وی در نتیجه تزریقات مشکوک و شکنجه های دایره مذاهب وزارت اطلاعات انجام گرفت. لازم به ذکر است که تصاویر فیلمبرداری شده از این رخداد به تمامی رسانه های داخلی و خارجی ارسال شده است. همچنین به مناسبت هفته معلم، اعضای جمعیت ال یاسین با برگزاری گردهمایی هایی در نقاط مختلف و سردادن شعار و درخواست آزادی بی قید و شرط رهبر دربند این جمعیت و اجرای برنامه های مختلف مراتب حمایت و سپاس خود را از معلم دربندشان اعلام نموده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط وی و سایر اعضای دربند جمعیت ال یاسین شدند. اخیرا گزارشات متعددی از وضعیت جسمانی آقای پیمان فتاحی و شکنجه های جسمی و روانی ایشان در بند 209 زندان اوین، در روزنامه واشنگتن پست و گزارش سازمان عفو بین الملل و سایر رسانه ها انعکاس یافته است.

88/2/15

● ایجاد مشکلات تنفسی برای رهبر جمعیت ال یاسین بر اثر تشدید شکنجه

پس از گذشت 110 روز از بازداشت استاد ایلیا (پیمان فتاحی) ایشان موفق به دیدار با خانواده خویش شدند. این ملاقات دو روز پیش در حالی انجام پذیرفت که یک هفته از اتفاقات ناگواری که برای این خانواده در زندان اوین رخ داده بود می گذرد. طی دستور قاضی حداد قرار بود هفته پیش فرزندان استاد ایلیا با وی ملاقات داشته باشند اما این جلسه با خشونت ماموران امنیتی به جلسه شکنجه خانوادگی تبدیل شد. استاد ایلیا در جریان این دیدار به قاضی حداد ابراز نمودند که دچار مشکل تنفسی شده اند و قاضی حداد از ایشان خواست که شرح این مشکل را مکتوب نموده و تحویل دهند. با توجه به اینکه استاد ایلیا هیچ نوع سابقه ی قبلی ای در این زمینه نداشته و این مشکل به تازگی و در اثر تشدید شکنجه های جسمانی ایشان روی داده است مسئولیت بروز این عارضه کاملاً متوجه بی توجهی مسئولینی است که با سکوت خود در برابر موضوع شکنجه، زمینه را برای اعمال و ادامه شکنجه بر زندانیان دربند فراهم ساخته و با این بی توجهی، زمینه ساز اعدام های خاموش زندانیان دربند شده اند.

88/2/17

• آزادی علی یار نیک فرمان – عضو جمعیت ال یاسین- بعد از 2 ماه بازداشت غیرقانونی

آقای علی یار نیک فرمان از نویسندگان نشریات جمعیت ال یاسین و عضو شورای مرکزی انجمن حرفه ای متفکران و محققان که به همراه مادرش خانم میترا حاجی نجفی سخنگوی جمعیت ال یاسین در 12 اسفندماه ربوده شده بود پس از گذراندن بیش از دو ماه بازداشت غیر قانونی و بازجویی های طولانی و طاقت فرسا سرانجام در تاریخ 14 اردیبهشت به قید ضمانت دو میلیارد ریالی آزاد شد. آزادی وی در حالی انجام گرفت که کوچکترین مدرک جرمی بر علیه او وجود نداشته و قصد بازجویان دایره مذاهب وزارت اطلاعات از بازداشت و حبس در انفرادی و بازجویی های طولانی، استفاده از وی به عنوان اهرم فشار بر خانم میترا حاجی نجفی سخنگوی جمعیت ال یاسین بوده است.

87/2/17

• اخباری از شکنجه گاه مخوف 209

سر انجام پس از ماه ها بی خبری و پی گیری اعضای کانون حقوق بشر و روابط بین الملل آیا برای تبیین وضعیت پیمان فتاحی (استاد ایلپا) رهبر جمعیت ال یاسین و سایر اعضای دربند، جزئیات تکان دهنده ای از شکنجه های شدید جسمی و روانی استاد ایلپا فاش شد. گزارش پیش رو، مجموعه گردآوری شده اطلاعاتی است که اخیراً از زندانیان آزاد شده و خانواده های برخی از زندانیان به دست آمده است.

از ممنوع الملاقات تا ممنوع التنفس

علیرغم اظهارات مسئولین قضایی که شکنجه فیزیکی را رد کرده اند اخیراً گزارش های تکان دهنده ای از شکنجه های جسمانی استاد ایلپا (پیمان فتاحی) توسط برخی از زندانیان آزاد شده از بند امنیتی زندان 209، به بیرون از زندان اوین منتقل شده است. گزارش ها نشان می دهد که در جریان دستگیری اخیر استاد ایلپا (پیمان فتاحی) انواع شکنجه های قرون وسطایی و وحشیانه به عنوان ابزاری بر علیه ایشان به کار گرفته می شود تا ایشان را وادار کنند در مقابل دروبین های بازجویان، گزارشات انعکاس یافته سخنگویان این جمعیت در رسانه های خارجی را تکذیب کنند. متأسفانه گزارش دردناکی وجود دارد که نشان می دهد جلادان امنیتی در طول یکی از این جلسات بازجویی استاد ایلپا را در راستای تحقق اهدافی چون ضبط فیلم اعتراف و انکار خود به شدت مورد شکنجه قرار داده و حتی ایشان را خفه کرده اند. این گزارشات حاکی از آن است که استاد ایلپا در دوماه اول بازداشت حداقل هجده بار در جلسات بازجویی به شدت شکنجه شده و مدتی را نیز در بیمارستان بستری بوده اند. یکی از دلایل بروز عارضه تنفسی در استاد ایلپا همین شکنجه های وحشیانه مأموران امنیتی در طول جلسات بازجویی است زیرا ناتوانی آشکار مسئولین پرونده در راستای مدرک سازی بر علیه استاد ایلپا تا بدانجا رسیده است که آنها را واداشته تا از هر وسیله ای برای شکنجه و آزار استفاده نمایند. گفته شده که بنابر دستور محسنی اژه ای وزیر اطلاعات، رییس بند 209 اوین هم به منظور اضافه کردن فشار روانی بر استاد، به جمع شکنجه گران ایشان اضافه شده و در جلسات بازجویی استاد ایلپا حضوری فعال می یابد.

از سوی دیگر افشای تنها گوشه ای از نحوه نگهداری از استاد ایلپا نشان دهنده ی آن است که ایشان نه تنها از حقوق شهروندی، بلکه از طبیعی ترین حقوق یک زندانی محبوس در سلول انفرادی نیز برخوردار نیست زیرا ایشان دو ماه و نیم اول دوره بازداشت خود را در زیر زمین یک سلول انفرادی و در وضعیتی بسیار تکان دهنده همراه با تعداد بسیار زیادی موش در حالی سپری کرده اند که نه تنها این سلول ها کوچکترین روزن و منفذی به فضای آزاد نداشته بلکه به مدت بیش از ده هفته، از حق هواخوری ساده نیز محروم بوده اند. در حال حاضر نیز وضعیت نگهداری ایشان بسیار اسف بار است. دیده شده که برای خرد کردن و درهم شکستن استاد، ایشان را علیرغم مشکل تنفسی و قلبی، وادار به کارهایی از قبیل جارو زدن و تی کشیدن می کنند و حق هواخوری ایشان نیز به جای یک روز در میان، هر دو هفته یکبار است. علاوه بر محروم بودن از حق ملاقات و

تماس با اعضای خانواده، ایشان حتی از حقوق ساده ای چون خرید و معاينه پزشکی معمول زندانیان نیز برخوردار نیست که این موضوع با توجه به بروز تازه مشکلات تنفسی و قلبی به همراه خونریزیهای سابقه دار ایشان بسیار مخاطره آمیز است.

تهدیدات جنون آمیز دایره مذاهب اطلاعات: فرزندان را به پرورشگاه تحویل می دهیم

به همراه شدت یافتن شکنجه های جسمانی، شکنجه های روانی استاد ایلپا(پیمان فتاحی) نیز در مقایسه با دوره ی بازداشت قبلی استاد در سال 1386، بسیار شدیدتر شده است. به نحوی که این بار فشارها بر استاد ایلپا به نوعی جنگ روانی ناعادلانه و به شدت تخریبی بر علیه ایشان گرایش یافته تا جایی که دامنه آن به خانواده و فرزندان استاد ایلپا نیز کشانده شده است. یکی از تهدیدات اخیر بازجویان، دستگیری و شکنجه همسر استاد ایلپا و تحویل دادن فرزندان استاد به پرورشگاه بوده که شرط انجام نشدن آن، ضبط فیلم اعتراف دروغین می باشد.

علم قاضی دست ماست !

مسئولین پرونده استاد ایلپا را به تازگی تهدید نموده که قصد دارند با هدف تخریب ایشان و با ابزار شاکی سازی خصوصی و گرفتن شهادت دروغ از عوامل امنیتی خود در داخل و خارج زندان، پرونده استاد را از حالت سیاسی و امنیتی خارج کرده و به قول خود آبروی استاد را بریزند. طی یکی از بازجویی ها استاد را تهدید کرده اند که قرار است در راستای تحقق این هدف در فضای اینترنت، بر علیه ایشان نامه ها و خاطراتی دروغین و بی اساس انتشار یابد که این موضوع خود نشانگر اوج ناتوانی مسئولین پرونده استاد ایلپا در یافتن کوچکترین مدرکی بر علیه ایشان می باشد. دامنه بازپهای کثیف دایره مذاهب اطلاعات بر علیه استاد به زندانیان دیگر نیز کشیده شده است. یکی از زندانیان آزاد شده، به شرط محفوظ ماندن نامش افشا نمود که دایره مذاهب اطلاعات از زندانیانی که ایشان را میشناسند درخواست جوسازی و شهادت دروغ کرده و این شهادت دروغ را شرط تخفیف مجازات جرم آنان اعلام نموده است. استفاده زندانیان علیه زندانیان نه تنها در مورد استاد ایلپا (پیمان فتاحی)، بلکه در موارد دیگری نیز بارها استفاده شده است. یکی دیگر از این شاهدان افشا کرد که "دایره مذاهب اطلاعات بی پروا اعلام کرده است اگر هیچ مدرکی هم نداشته باشیم مقامات و قاضی پرونده را توجیه میکنیم زیرا علم قاضی دست ماست! و ما متخصصین تخریب ذهنی و شستشوی مغزی هستیم." همچنین دایره مذاهب اطلاعات اذعان نموده که

به دلیل عدم اطمینان به آیت الله شاهرودی ریاست قوه قضاییه قصد دارند بررسی پرونده استاد در دادگاه را به ریاست جدید قوه قضاییه منتقل کنند.

88/2/19

● آخرین وضعیت پرونده آقای پیمان فتاحی رهبر جمعیت آل یاسین

پژواک حقوق بشر در ایران

www.insideofiran.com

استاد ایلپا (پیمان فتاحی) متفکر، تئورسین و رهبر جوان بزرگترین جمعیت فرهنگی - معنوی ایران با نام جمعیت ال یاسین، از تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۸۷ توسط مامورین دایره مذاهب و زات اطلاعات (اداره برخورد با ادیان و فرق) برای دومین باردستگیر و به زندان اوین بند ۲۰۹ منتقل شد. وی در دوره اول زندان در سال ۸۶ که ۶ ماه به طول انجامید، مورد تزریقات مشکوکی قرار گرفت. خونریزی های شدید از گوش و بینی، تهوع های مکرر خونی و دیده شدن خون درادرار که با توجه به بررسی ها نشان دهنده نوعی مسمومیت خونی مشکوک هستند از عوارض آن تزریقات گزارش شده است. این عوارض پس از دستگیری دوم با شدت بیشتر در وی دیده شده است. بنا به اظهارات برادرش که اخیرا ملاقات کوتاهی با او داشته است این بارکاهش وزن شدید و ورم صورت نیز به این عوارض افزوده شده است. دایره مذاهب وزارت اطلاعات در پاسخ به درخواست برادر پیمان فتاحی مبنی بر توجه به وضع جسمانی او، به قصد وی برای تمارض بر طبق گزارش پزشک قانونی اشاره کرده است که با توجه به نوع عوارض چنین احتمالی کاملاً مردود می باشد. گفتنی است که محمد اولیایی فرد، از آخرین روزهای اسفند ۱۳۸۷ وکالت پیمان فتاحی را به عهده گرفته است ولی این موضوع به پیمان فتاحی، تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ اطلاع رسانی نشده بود.

شباب حسامی؛ همسر پیمان فتاحی نیز به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر ایران از اسفند ماه ۱۳۸۷ به اتهام توهین به نظام و بدعت گذاری دردین برای مدت کوتاهی بازداشت شده و سپس با قرار وثیقه به خاطر داشتن دو فرزند

کوچک یک و چهار ساله آزاد شده است. فرزند اول پیمان فتاحی به دلیل دوری از پدر طبق اظهارات وکیل پرونده؛ محمد اولیایی فرد به عارضی، اضطراب جدایی، دچار شده و تحت مداوای پزشکی قرار دارد. در اوائل اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ امکان داشتن ملاقات کوتاهی پس از درخواست وکیل پرونده به فرزندان پیمان فتاحی داده شد. دو کودک خردسال وی در جوی پر تنش هنگام مواجه شدن با وضعیت آشفته و ناراحت کننده او، به دلیل کاهش شدید وزن و نگه داشتن او در بدترین وضعیت ممکن قادر به شناخت پدر خود نشدند و ملاقات به دلیل بی تابی کودکان خردسال وی ملغی شدن بازی حسامی خواهر همسر پیمان فتاحی؛ مدیر نشر یاهو نیز طبق اظهار مامورین زندان برای مدتی به دلیل حملات شدید عصبی به خاطر فشارهای روانی سلول انفرادی و بازجویی ها در بیمارستانی خارج از زندان بستری بود. مرتضی رسولیان، میترا نجفی و علی یار نیک فرمان از اعضای دیگر دستگیر شده جمعیت ال یاسین هستند که از سال گذشته در زندان اوین بند ۲۰۹ به سر میبرند.

طبق آخرین اخبار رسیده از تهران منع برگزاری جلسات برای بخش های مختلف جمعیت ال یاسین همچنان ادامه دارد. در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۸۸ مامورین امنیتی دایره مذاهب وزارت اطلاعات، به یکی از جلسات تفکر این جمعیت در فرهنگ سرای ملل، یورش برده و با برهم زدن جلسه، سخنران را با خود برده و پس از چند ساعت بازجویی مداوم درباره منشأ این آموزه ها و ارتباط شاگردی ایشان با استاد ایلین، وی را مورد سؤال قرار داده و سرانجام با گرفتن تعهد مبنی بر عدم برگزاری هر نوع کلاس تفکر و تعهد به حضور در احضارهای بعدی او را آزاد کردند. مامورین دایره مذاهب وزارت اطلاعات، در حالی به طرح اتهامات بر علیه گروه آل یاسین در رسانه های تحت نظر خود می پردازند که تا کنون هیچ مستندی در این خصوص به افکار عمومی ارائه نکرده اند. لازم به ذکر است که نشر اکاذیب بر علیه افراد یا مراکز طبق قوانین کشور ایران برای هرفردی یا رسانه ای جرم محسوب میشود با نگاهی به مرگهای مشکوک در زندان های ایران، مواردی مانند امید میرصیافی، امیر حسین حشمت ساران و مرگ مشکوک رامین فتاحی برادر پیمان فتاحی در سال ۱۳۸۶ نگرانی شدیدی در مورد جان و سلامتی پیمان فتاحی وجود دارد به همین جهت اعضای جمعیت ال یاسین، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط رهبر جوان این مجموعه و دیگر اعضای زندانی خود میباشد.

● **تهدید مسئولین: پرونده ال یاسین را با شاکی سازی خصوصی از رویکرد سیاسی - امنیتی خارج می کنیم**

طبق آخرین اخبار منتشر شده از وضعیت پرونده جمعیت ال یاسین، مسئولین پرونده، رهبر دربند این جمعیت - آقای پیمان فتاحی- را تهدید کرده اند که " برای تخریب اجتماعی تو، پرونده را از حالت سیاسی- امنیتی خارج کرده و از طریق شاکی سازی خصوصی، رویکرد پرونده را تغییر می دهیم ".

این در حالیکه مقامات امنیتی ایران گفته اند: "این پرونده برای وزارت اطلاعات به یک موضوع حیثیتی تبدیل شده است" و از طرف دیگر وکیل پرونده -آقای اولیایی فرد- در مصاحبه ای با صدای آمریکا اعلام کرد: "طی دیداری که با دادیار پرونده داشته ام، به من گفته که پرونده جمعیت ال یاسین یکی از سنگین ترین پرونده های امنیتی ایران است و او با اشاره به برخی از پرونده های معروف، این نکته را متذکر شد که در حال حاضر پرونده این جمعیت را در صدر رسیدگی قضائی قرار داده ایم."

گفتنی است مسئولین پرونده جمعیت ال یاسین که تا به حال نتوانسته اند به هیچ مدرکی برای اثبات اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت ملی و براندازی نظام دست یابند، به تازگی قصد دارند با تغییر رویکرد پرونده جمعیت ال یاسین، آن را از حالت بین المللی خارج نموده و متعاقباً حمایت گسترده نهادهای حقوق بشری و رسانه ها را از آن قطع نمایند.

88/2/22

شکنجه روانی جدیدی برای استاد ایلیا (پیمان فتاحی)



فرزندان استاد ایلیا: ایلهاو ۴ ساله و ادیس ۱ ساله

با توجه به اخبار منتشر شده در روزهای اخیر، دایره مذاهب وزارت اطلاعات برای درهم شکستن استاد ایلیا (پیمان فتاحی)، علاوه بر شکنجه های فراوان جسمی، به شدت ایشان را مورد آزارهای روانی (شکنجه سفید) قرار داده و دامنه ی تهدیدات خود را به خانواده و سایر پیروان گسترش داده اند.

مأموران امنیتی مدت هاست که رهبر جمعیت ال یاسین را برای ضبط فیلمی در تکذیب سخنگویان این جمعیت و همچنین طلب عفو از رهبری، تحت فشار شدید قرار داده و در همین راستا ایشان را تهدید کرده اند که: "همسر و شاگردانت را بازداشت می کنیم و پس از آن فرزندان- ایلهاو و ادیس- را به پرورشگاه تحویل می دهیم." این در حالی است که فرزند ایشان (ایلهاو) به علت بیماری "اضطراب جدایی" مدت هاست که تحت مداوای پزشکی قرار دارد و حتی در ملاقاتی که بعد از مدت ها این کودک 4 ساله با پدر خود داشت، بر اثر برخوردهای تنش آمیز بازجویان، فشار روانی شدیدی را متحمل شد به طوری که تا چند روز در وضعیت نامساعدی از لحاظ روحی و روانی قرار داشت.

88/2/22

رودر رو کردن استاد ایلیا با عوامل نفوذی توسط بازجویان و ضبط فیلم



ب.ن، عامل نفوذی وزارت اطلاعات در برنامه زنده این شب ها

سالهاست که شاهد بوده ایم، یکی از متداولترین محصولات دستگاه امنیتی ایران برای تخریب شخصیت های محبوب اجتماعی و دگراندیشان دربند، فیلم های فرمایشی اعترافات دروغین و شهادت های تحت فشار بوده است. یکی از الگوهای تهیه ی این فیلم ها، استفاده از افرادی است که پیش تر توسط جلالان اندیشه ، شستشوی مغزی شده و تحت عنوان "نادمان" و "از دام رها شدگان" با دایره مذاهب وزارت اطلاعات همکاری می کنند. این افراد عمدتاً با شرکت در میزگردهای فرمایشی و مصاحبه های نمایشی در صدا و سیما، به تخریب گسترده ی چهره های شاخص دست می زنند تا با القای اخبار کذب به اذهان عمومی، شرایط طالبان مذهبی ایران را در برخورد هر چه خشن تر برای حذف فیزیکی قربانیان این دستگاه تفتیش عقاید مهیا کنند.

یکی از جنجالی ترین پرونده های امنیتی ایران در حال حاضر، پرونده پیمان فتاحی- رهبر جمعیت ال یاسین- است که حکومت اسلامی برای تخریب شخصیت وی هزینه های هنگفتی را متحمل شده است؛ از جمله اقدام به انتشار کتب و ویژه نامه ها، ساخت و پخش برنامه های تلویزیونی، برگزاری همایش و ... و اما به تازگی دایره مذاهب وزارت اطلاعات، پروژه دیگری را به موازات اقدامات جاعلانه و ناجوانمردانه در خصوص ضبط فیلم از پیمان فتاحی (معروف به استاد ایلیا) به راه انداخته و در آن دو تن از افراد سابق جمعیت ال یاسین را

یاسین تایمز: پایگاه خبری جمعیت ال یاسین

رو در روی ایشان قرار داده و از این برخورد و رو به رویی یک فیلم تهیه کرده است. یکی از این افراد (ک.ف) در سال 1386 به مدت 4 ماه در سلول انفرادی و تحت شستشوی مغزی قرار داشته و سپس فعالیت خود را در دستگاه امنیتی آغاز کرده است و فرد دیگر (ب.ن) از سال ها پیش با وزارت اطلاعات همکاری داشته و به مدتی را به عنوان یک عامل نفوذی در جمعیت ال یاسین حضور داشته است. قابل ذکر است که تا به حال این فرد برای تخریب چهره جمعیت ال یاسین و وجهه اجتماعی رهبر این جمعیت، در چند برنامه ی تلویزیونی به دستور وزارت اطلاعات ، شرکت داشته است.

تاکنون هیچ گزارشی از محتوای این گفتگو و فیلم ضبط شده و همچنین وضعیت جسمانی و روانی استاد ایلپا در این ملاقات اجباری در دست نیست.

مصاحبه ها

88/1/26

- **مصاحبه رادیو صدای ایران با سخنگوی خارج از کشور جمعیت آل یاسین:**
مصاحبه رادیو صدای ایران با یلدا نورشاهی؛ سخنگوی خارج از کشور جمعیت آل یاسین در تاریخ ۲۶ فروردین 1388

88/1/29

- **مصاحبه تلفنی رادیو بی بی سی با آقای محمد اولیایی فرد وکیل پرونده آقای پیمان فتاحی:**
روز شنبه بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۸۸ بخش فارسی رادیو بی بی سی با آقای محمد اولیایی فرد؛ وکیل پرونده آقای پیمان فتاحی در خصوص این پرونده مصاحبه ای ترتیب داد.

88/1/31

• گفت و گوی کوتاه شبکه تلویزیونی VOA با یلدا نورشاهی؛ سخنگوی جمعیت آل یاسین در خارج از کشور:

شبکه تلویزیونی صدای آمریکا در برنامه تفسیر خبر در روز دو شنبه؛ سی و یکم فروردین ماه ۱۳۸۸ گفت و گوی تلفنی کوتاهی با یلدا نورشاهی؛ سخنگوی خارج از کشور جمعیت آل یاسین جهت اطلاع رسانی درمورد آخرین وضعیت آقای پیمان فتاحی و دیگر دستگیرشدگان جمعیت آل یاسین ترتیب داد.

88/2/11

• اخبار آخرین وضعیت آقای پیمان فتاحی و اعضای جمعیت ال یاسین در رادیو صدای ایران:

رادیو صدای ایران در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ مصاحبه ای را با سخنگوی خارج از کشور جمعیت ال یاسین؛ یلدا نورشاهی ترتیب داد. دراین مصاحبه ضمن بیان آخرین اخبار درمورد وخامت حال آقای پیمان فتاحی و وضعیت خانواده ایشان، به شگردهای تازه دایره مذاهب وزارت اطلاعات در جهت تخریب شخصیت ایشان و اعضای جمعیت ال یاسین در رسانه های تحت امر این نهاد امنیتی و درج مطالب دروغ از زبان یک از اعضای شورای مرکزی جمعیت نیز اشاره شد.

88/2/14

● **مصاحبه کوتاه تلفنی با دکتر کی نژاد؛ سخنگوی کانون حقوق بشر و روابط بین الملل ال یاسین :**

شبکه تلویزیونی صدای آمریکا در برنامه تفسیر خبر در روز دو شنبه؛ چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ گفت و گوی تلفنی کوتاهی با دکتر پریس کی نژاد؛ سخنگوی کانون حقوق بشر و روابط بین الملل یاسین جهت اطلاع رسانی درمورد آخرین وضعیت آقای پیمان فتاحی و دیگر دستگیرشدگان جمعیت ال یاسین ترتیب داد.

متن مصاحبه "خانم دکتر پریس کی نژاد:

«جمعیت ال یاسین جمعیتی فرهنگی است که بدون برگزاری تحصن و تجمع در طی دو سال با تهدید، ارباب، تفتیش منازل، شنود تلفن، احضارهای متعدد و دستگیری روبرو بوده است.

به عنوان آخرین اخبار، وضعیت جسمانی آقای پیمان فتاحی (استاد ایلپا) رو به وخامت رفته که این منجر به نگرانی عمیق ما شده است. بدنبال تزریقات مشکوک شش ماه انفرادی دوره اول بازداشت و تشدید خونریزی‌ها، ایشان دچار کاهش شدید وزن شده‌اند و طی دو ملاقات کوتاه با ایشان رنگ پریدگی قابل توجه، تورم صورت و تنگی نفس ایشان از موارد بارزی بوده که مؤکد نیاز ایشان به مراقبت‌های پزشکی است.

اما متأسفانه علیرغم پیگیری‌های خانواده ایشان و اصرار آنها به مسئولین پرونده تنها جواب یک چیز است که نظر پزشکی قانونی این است که ایشان تمارض می‌کنند. در حالیکه دوستانی که در زمینه پزشکی اطلاعاتی دارند همگی از بکارگیری مشتقات آرسنیک، خردل و سموم نظامی علیه ایشان مطلع هستند.

بنابر گفته یکی از مسئولین که اخیراً یکی از اعضای شورای مرکزی ال یاسین با او ملاقاتی داشته است روش جدید شکنجه در داخل زندان تزریق مورفین به زندانیان برای ایجاد وابستگی است که پس از مدتی تزریق مورفین قطع شده تا

زندانی را تحت فشار قرار دهند تا پروژه اعتراف گیری و تواب سازی اتفاق بیفتد.

خانم دکتر کینژاد در ارتباط با وضعیت سایر زندانیان جمعیت ال یاسین اظهار داشت: «دو تن از اعضای دربند این جمعیت به بند دیگری منتقل شده‌اند و خانم میترا نجفی نیز دچار ناراحتی چشمی هستند. نکته مهم ممنوعیت ملاقات این افراد با وکیل است. به شکلی که هیچ یک از این افراد اطلاع ندارند که وکیل دارند. طبق آخرین خبر ماموران امنیتی دیروز آقای پیمان فتاحی را با داد و فریاد و رفتار توهین آمیز و ضمن راندن مردم از اطراف ایشان و جلوگیری از نزدیک شدن مردم، برای انجام کاری به دادسرا منتقل کرده‌اند که ایشان برای اولین بار چهره وکیل خود را می‌بینند. اما اجازه صحبت با وکیل از ایشان سلب شد.»

خانم دکتر پریس کی نژاد ضمن اطلاع رسانی پیرامون برخوردهای صورت گرفته اخیر با استاد ایلپا و جمعیت ال یاسین به وعده های مسئولین در آستانه انتخابات اشاره کردند و اظهار داشتند که «این وعده ها طبق الگوهای قبلی تنها برای ساکت نگه داشتن اعضای جمعیت است. ما این تجربه را داشتیم که آنان مدام دروغ می‌گویند و خلف وعده می‌کنند که بر اساس پیگیری یکی از مسوولین (که خواسته نامش فاش نشود) در ارتباط با این پرونده پاسخی که او دریافت کرده این بوده است که هیچ مسوولی حق ورود به این پرونده را ندارد و این پرونده برای وزارت اطلاعات جنبه حیثیتی پیدا کرده است و وزارت اطلاعات باید این مساله را به نفع خودش و بنا بر روال خودش تمام کند. احتمال دارد آنها با برگزاری یک دادگاه غیرعلنی و فرمایشی و حکم سنگینی که ممکن است بخواهند برای دوستان دربند ما بگیرند، این کار را انجام دهند.»

88/2/14

● **مصاحبه رادیو پارس با دکتر کی نژاد در خصوص آخرین اخبار و تکذیب خبر درج شده در آینده نیوز:**

دراین مصاحبه دکتر کی نژاد ضمن بیان آخرین اخبار مربوط به آقای پیمان فتاحی و جمعیت ال یاسین، درج اخبار دروغ در مورد خود را در رسانه هایی چون آینده نیوز، صریحا تکذیب کرده‌اند.

88/2/19

● متن مصاحبه رادیو آزادگان با یلدا نورشاهی؛ سخنگوی جمعیت ال یاسین در خارج از کشور:

اساساً جمعیت ال یاسین چگونه جمعیتی است و مسئول این جمعیت آقای پیمان فتاحی کیست و از چه زمانی شروع به کارهای خودشان کرده اند؟

- جمعیت ال یاسین بعنوان جمعیتی فرهنگی - معنوی در ایران شناخته شده که حدود 200000 نفر عضو دارد و این تعداد روز بروز در حال افزایش می باشد و به همین دلیل هم از جمعیت ال یاسین بعنوان بزرگترین NGO در خاورمیانه یاد می شود. این مجموعه تشکل بیش از ده نشریه، نشریاتی از قبیل هنر زندگی متعالی، حرکت دهندگان، هنرهای زیستن، علوم باطنی و علم موفقیت می باشد که البته متأسفانه در این مدت 5 نشریه ما بسته، توقیف و یا لغو مجوز شده اند. همچنین نشریاتی دیگر از قبیل تفکر متعالی، اخبار کودکان و تعدادی نشریه دیگر.

در بخش انتشارات ما چندین نشر فعال داشتیم که در اینجا به چند تا اشاره می کنم: نشر تعالیم حق، یاهو و حامیم. انجمنهای زیادی را داشتیم که اکثراً هم جزو شناخته شدین ترین ها بودند که در زمینه های مختلف فرهنگی- پژوهشی - تحقیقاتی فعالیت می کردند. در طی این سالها حدود 12 الی 13 سال از ابتدای کارشان گذشته. انجمنهایی مثل انجمن جبهه طبیعت که بزرگترین تشکل زیست محیطی در خاورمیانه است. انجمن متفکران و محققان که برای اهل تحقیق و پژوهش یک نام بسیار آشنا است. گروه پژوهشی مدیریت حرفه ای که باز برای بسیاری از مدیران صنایع بزرگ و مراکز بزرگ ایران شناخته شده است مثل صنایع خودروسازی، هواپیمایی، پتروشیمی و بانکها و دلیلش هم این بود که مدیران این مراکز توسط شاگردان استاد ایلیا (آقای پیمان فتاحی) که مسئول سیاست گذاری و راهبرد این مجموعه هستند، مباحث مدیریتی را آموزش می دیدند و در سمینارهای ما شرکت می کردند. یا انجمنهایی مثل مدرسین، نویسندگان و مترجمان و یک سری انجمنهای دیگر. وجه اشتراک بخشهای مختلف این مجموعه این است که مسئولین اش از شاگردان استاد ایلیا هستند و راهبردهای کلی را از تعلیمات ایشان داشتند.

سیستم کاری در این مجموعه سیستم NGO بوده و مانند NGO های دیگر منابع مالی اش را خودشان تامین می کردند و از طریق کمکهای داوطلبانه خود مردم

تأمین می شده... هدف ما در کل این مجموعه (ال یاسین) بر مبنای راهبردی بوده که ما از استاد ایلیا داشتیم و به صورت خیلی چکیده بالا بردن سطح آگاهی عمومی، آموزش روشهای مختلف تفکر البته با نگاه به هر دو بعد تفکر، ظاهرگرا و معناگرا، ترویج فرهنگ پرسشگری و احیاء کردن توانایی های بالقوه افراد بوده است. جهت ما هم این بوده که افراد را بسمت بازیابی هویت راستین انسانی خودشان پیش ببریم. و این چیزی بوده که ما از تعالیم استاد ایلیا داشتیم. تصمیم گیری های جمعیت ال یاسین به این صورت بوده که هر بخشی، شورای مرکزی خود را داشته و در آن شورای مرکزی تصمیمات اصلی گرفته می شده. بعنوان دستاوردهای این مجموعه میتوانم به این اشاره کنم که طی این سالها صدها محقق، پژوهشگر و نویسنده در جمعیت ال یاسین تربیت شده اند که در حقیقت همه به همت استاد ایلیا بوده است. صدها جلد کتاب تهیه شده که البته تعداد بسیار کمی اجازه چاپ گرفتند و بیشترش همچنان باقی مانده که در حال حاضر به صورت کتابهای الکترونیک منتشر می شوند. هزاران مقاله در این مدت داشتیم. بعضی از مقالات ما در نشریات ایران حتی نشریاتی که امروز دارند از ما بد می نویسند و سعی دارند که در مورد ما و استاد ایلیا تخریب داشته باشند، بارها و بارها مقالات نشریات ما در آنها چاپ شده. تعداد زیادی جزوه آموزشی داشتیم. همایشهای زیادی داشتیم سمینارها، سخنرانیها، کارگاه های آموزشی، جلسات بحث و گفتگو، کتابخانه های الکترونیکی که راه اندازی کردیم همینطور وب سایتها و وبلاگ هایمان. ولی متأسفانه ما امروز داریم می بینیم که این جمعیت با وجودی که این همه کار انجام داده و کارش هم صرفاً کار فرهنگی-معنوی بوده، امروز به خاطر وجود نهادی به اسم دایره مذاهب وزارت اطلاعات مجبور شده فعالیتهای خودشان را به شکل زیرزمینی دنبال کند. این واقعاً جای تأسف داره. چرا؟ چون جمعیت ال یاسین یک دیدگاه و بینشی دارد با این جهت که با اسلام خشونت طلب مخالف هستند و به طبع با چیزهایی که به تبع آن و در ادامه آن حاصل می شود هم مساله دارد و آنها (دایره مذاهب) هم نمی توانند اینرا تحمل کنند. متأسفانه! این معرفی کوتاهی بود که من می توانستم از جمعیت ال یاسین داشته باشم. اما در مورد آقای پیمان فتاحی یا استاد ایلیا. ایشان را در ایران بیشتر با اسم استاد ایلیا می شناسند، یک متفکر هستند.

خانم نورشاهی ایشان چرا به اسم استاد ایلیا معروف هستند؟

- ببینید بیشتر همین سوال را دارند که چرا استاد؟ استاد در لغت -که در لغت نامه دهخدا هم آمده -به معنای کسی است که در کاری مهارت داشته باشد. البته این دیگران هستند که اسامی را به ایشان نسبت میدهند ولی در زمانی که ما با ایشان برخورد داشتیم دیدیم که ایشان در مورد زندگی طوری صحبت می کنند که واقعاً جز یک استاد کسی نمیتواند اینجوری صحبت بکند. یک استاد به کسی گفته می شود که در یک مبحث فهم نسبتاً کاملی داشته باشد و بتواند مسائل مربوط به آن مبحث را حل بکند و در نهایت بتواند آن مبحث را آموزش بدهد و این همان بوده که ما در مورد ایشان در طی این سالها دیدیم. مثلاً در مورد جریان زندگی و بخصوص در مورد علم تفکر. ایشان واقعاً یک استاد هستند چون تمام نشانه های استاد بودن را دارند. هم تفکر را خیلی خوب می دانند، هم خیلی خوب به کار می گیرند و هم به خوبی آن را به دیگران آموزش می دهند و به همین دلیل هم به ایشان می گوئیم استاد. در ادامه صحبتیم اینرا توضیح می دهم که ایشان از حدود سال 1375 اولین دوره سخنرانیهای عمومی خودشان را با رویکرد معنویت مدرن در تهران شروع کردند و در طی این سالها جلسات بسیاری در مباحث مختلف داشتند. یکی از مهمترین تعلیمات ایشان همینطور که گفتیم تعلیمات تفکری بوده. ایشان تنها کسی هستند که برای اولین بار در دنیا دارند روشهای تفکر را در قالب "روشهای سی و شش گانه تفکر" آموزش می دهند.

شرح این روشهای تفکر در اثری است به نام "تفکر متعالی و روشهای تفکر خلاق" که البته متن این اثر بوسیله شاگردان ایشان از روی سخنرانیهای که در این زمینه داشتند بازنویسی شده ... اثر دیگر ایشان «فرمولهای تفکری و نرم افزارهای ذهنی» است که در این اثر بیش از 700 فرمول ذهنی برای امور مختلف موجود است. شاید بد نباشد که من در اینجا به این موضوع اشاره بکنم که خودشان در مورد شکل گیری و کلاً اینکه چطور شد که این روش را ابداع کردند، می گویند که از سن 16 سالگی میل شدیدی به کشف سوالاتی داشتند که خودشان به آنها سوالات بزرگ می گویند. که اولین آنها سوال من کیستم؟ است. و یکی دیگر از این سوالات بزرگ برای ایشان این بود که راه ها و روشهای تفکر کدام است؟ و همین سوال زمینه سازی شده که ایشان روشهای سی و ششگانه تفکر را ابداع کنند که بعدها هم انجمن متفکران و محققان و حتی نشریه هنر زندگی متعالی بر این اساس بوجود آمد. تا امروز ما بیش از 58 نظریه و تئوری بنیادی از ایشان داشتیم که در اینجا خوب است که به معنی این نظریات تئوری بنیادی اشاره ای داشته باشم.

نظریه تئوری بنیادی نظریه ای است که بواسطه ی آن می شود به مسایل مختلف از طریق یک فرمول پاسخ داد. به نوعی میشود گفت که این نوع تئوری یک نوع جهان بینی ثانویه است که آنوقت این فرمول در شرایط مختلف تفسیر میشود که میتواند مورد استفاده قرار گیرد. مثل کلیدی می ماند که می توان با آن قفلهای مختلفی را باز کرد.

تا کنون ما حدود 40 اثر بازنویسی از سخنرانیهای ایشان داشتیم که این بازنویسی ها را شاگردان ایشان انجام دادند. آثاری مانند "نظریه های جهانی و معنویت مدرن"، "الگوهای بنیادی زندگی"، "آموزش مشاوره تحول زا"، "بینش های بنیادی و اندیشه های زندگی ساز"، "آینده جهان تمدن ها و ادیان"، "فرقه و ضد فرقه" و یک سری آثار دیگر که متأسفانه تمام این حدود 40 اثر به اضافه 200 پروژه تحقیقاتی توسط مامورین دایره مذاهب وزارت اطلاعات و یا همان اداره برخورد با ادیان و فرق، توقیف شده می باشند.

در طی این مدت جلسات ایشان جلساتی بوده که با استقبال بسیار شدید مردم مواجه شده تا حدی که به مرور زمان بیشتر سالنهایی که این جلسات در آن برگزار می شد گنجایش کافی را نداشت. کم کم جلسات کشیده شد به فرهنگ سراها که باز هم همین مسئله پیش آمد. بعد ما جلسات را در ورزشگاه هایی مثل شیرودی برگزار می کردیم و در نهایت هم ما درخواست کرده بودیم که اجازه بدهند که جلسات استاد را در ورزشگاه آزادی برگزار کنیم که با آن مخالفت کردند. در اینجا می خواستم اشاره به کتابی بکنم به نام "آمین" که "سازمان انتشارات آزادی اندیشه یاسین" آنرا به صورت الکترونیک منتشر کرده. البته این کتاب در چند جلد است که تا کنون 2 یا 3 جلد آن منتشر شده که بر روی اینترنت موجود می باشد و اگر شنوندگان شما مایل بودند می توانند خیلی کاملاً با دیدگاههای استاد از آنجا آشنا بشوند. در بخشی از کتاب "آمین" و در یکی از جلد های آن، صحبت های مستقیم خود استاد ایلینا هست و دلیل آن هم این بوده که مسئولین دایره مذاهب وزارت اطلاعات زمانی که ایشان در زندان بودند و بعد بصورت مشروط آزاد شدند، از ایشان خواستند که دست به خود محکومی بزنند و بر ضد خودشان کتابی بنویسند و اعترافاتی را داشته باشند. ایشان صحبت هایی را در این زمینه داشتند که این صحبت ها توسط شاگردانشان بازنویسی شده و در این کتاب موجود است

خانم نورشاهی اشاره کردید که برخورد عوامل رژیم با ایشان و همینطور با جمعیت ال یاسین چگونه بوده ، ممکنه بیشتر توضیح بدهید که نظرات و دیدگاه های آقای فتاحی چیست ؟ چه مطالبی و چه بحث هایی را در مورد مشکلات یا معضلات یا حتی مسائل اجتماعی مطرح می کنند که باب طبع حاکمیت نیست؟

- یکی از محورهایی که با آن مسئله پیدا کردند ، دیدگاه های ایشان است که جهت این دیدگاه ها را اینطور می شود توضیح داد که یک نوع عدم توافق و یا مخالفتی را دارند با اسلام خشونت طلب که این برمیگردد به دیدگاه و تعریفی که ایشان از اسلام دارند . ایشان با دینداری خشن با القاعده فرهنگی و اصولاً با عده ای که بخواهند چهره پلیدی را اسلام و قرآن به جهان نشان بدهند موافق نیستند. ایشان معتقد به این نیستند که مذهب شیعه تنها راه رسیدن به حقیقت است. این چیزی بوده که بوضوح گفتند و خوب این خیلی طبیعی است که مسئله دار باشد. ایشان به هر راهی که انسان را به خداوند وصل کند و در نهایت به خداوند برساند و حقیقت را دریابد احترام می گذارند و همین باعث برخوردهایی با ایشان شده . بطور مثال یکی از دیدگاه های ایشان اینست که می گویند که دین هم مثل انسان است و فقط محدود به جسم نمی شود بلکه روح هم دارد. همان دین و دینداری در این اصل برای اکثر انسانها مثل یک لاشه بدون روح شده و دین امروز به پوسته و ظاهر محدود شده و باطناً مرده است. روح اصلی دین همان ایمان و عشق به خداوند است. به خداوند زنده به خداوندی که پاسخ می دهد. و این خود جای باز کردن دارد و می تواند شامل خیلی از چیزها باشد. در جای دیگر ایشان اشاره می کنند که دین برای انسان است نه انسان برای دین، پس زندگی انسانها نباید قربانی اختلافات بین ادیان باشد. خوب تمام این چیزها می تواند مسئله دار باشد . مثلاً وقتی که ایشان از اسلام صحبت می کنند در باره یک اسلام میانه رو حرف می زنند. از یک اسلامی که زنده است فعال و پاسخگوست. اسلامی که نرم و انعطاف پذیر است. یعنی به مردم سخت نمی گیرد، برعکس بسیار آسان هم می گیرد. و اسلامی صلح طلب است. مسائل خود را با تجزیه و تحلیل و تفکر حل می کند و نه با زور و خشونت و فرمان دادن. اسلامی است که بر طبق قرآنی که ما داریم بقیه را کافر نمی داند. اسلامی است که ستونش بخشندگی و مهربانی است. همان پیامی را که "بسم الله الرحمن الرحيم" که یکی از پایه های اسلام است را می رساند و در تمام سوره ها تکرار شده که مدام یادآوری می کند به نام خداوندی شروع کن که بخشنده و مهربان است. این خیلی معنا دارد. البته ما یک تفسیری را از ایشان داشتیم در مورد آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» که در همین کتاب "آمین" هست . در همین امتداد اسلامی را که ایشان تعریف می کند یک اسلام متحجر و منجمد نیست. درست است که اصولش همان اصول 1400 سال

قبل است اما آن اصول بر اساس روز تعریف و تفسیر می شود یعنی اسلام چون زنده است دائماً به روز می شود ... و اصول به همان شکل باقی می ماند. پس حالت غیر خشک و غیر مرده را ندارد. مرده نیست چون پیامش اصلاً همان "بسم الله الرحمن الرحيم" است. خدایی بخشنده است و مهربان. خدایی است که به اسم خداوند جبار سوره ها را شروع نکرده است. می توانست بگوید بسم الله العادل، بسم الله جبار، بسم الله قهار ولی ما می بینیم که در تمام سوره ها این پیام را داریم که می گوید خداوند بخشنده است و مهربان. پس اگر ما خداوندی را پرستیدیم که بخشنده است و مهربان و این را قبول داریم که ما بنده آن خدا هستیم بنابراین جهت گیری ما هم در همان جهت خواهد بود... پس ما نمی توانیم به دیگران ظلم بکنیم و یا بخواهیم دیگران را مردود اعلام بکنیم و یا دین های دیگر را قبول نداشته باشیم و یا اقلیتهای مذهبی را اذیت بکنیم و یا چیزهایی از این دست. این بخشی از نظرات ایشان بود که من اینجا بیان کردم و فکر می کنم تا حد زیادی بتواند بیانگر این باشد که چرا دارند با ایشان این رفتار را می کنند.

خانم یلدا نورشاهی آیا ایشان اساساً با گروههای سیاسی یا گروههایی که فعالیت سیاسی می کنند تماس یا نزدیکی دارند؟ چون متأسفانه در کشور ما می گویند سیاسی هستند یا نیستند و این لغت سیاسی بودن هم لغت بسیار مرموزی شده در کشور ما. یعنی اگر کسی بخاطر احقاق حقوق خود تلاش می کند هم باید منفرد بشود از نظر مردم و هم قابل دستگیری. می خواستم بپرسم که ایشان در ایران با گروهها و یا سازمانهای سیاسی همکاری دارند؟

- این را میتوانم به صورت کامل بهتون بگویم که اصلاً اینطور نبوده و ایشان اصلاً یک آدم سیاسی نبودند. البته در همین اواخر به ایشان اجازه داده بودند وکیلی داشته باشند البته بعد از مدت حدود 2 سال که دارند ایشان را اذیت می کنند و مورد آزار و شکنجه و زندان و اینجور چیزها قرار میدهند. طبق اظهارات وکیل ایشان آقای محمد اولیایی فرد اتهامات ایشان الان، البته بعد از چند بار تغییر، اقدام علیه نظام اسلامی و تبلیغ علیه نظام اعلام شده. و خوب خود وکیل ایشان بعد از بررسی کاملی که در این زمینه داشتند بصورت خیلی صریح و واضح، محکم می گویند که این یک اتهام کاملاً پوچ و بی معناست. این نظر وکیلی است که کاملاً خازج از جمعیت ال یاسین بوده اند و ما هم که جمعیت ال یاسین هستیم بطور کامل همچنین چیزی را رد می کنیم و در طی سالیان گذشته هم ما بیانیهای از طرف دفتر استاد ایلیا داشتیم که در این بیانیهای دیدگاه های استاد را به صراحت بیان کردند بخصوص در موردی که میتوانسته ابهام را باشد. برای

مثال میتوانم در اینجا به یکی از آنها اشاره کنم: بیانیه منتشر شده در اردیبهشت ماه سال 1378 که در آنجا به وضوح ذکر شده بود که ایشان بازیهای سیاسی و سیاست بازیها را مردود میدانند و حتی به دیگران هم توصیه کردند که از آلودگی به بازیهای سیاسی بپرهیزند. این دیدگاه ایشان بوده. در تمام این سالها هم جمعیت ال یاسین و پیروان استاد ایلیا دیدگاهشان همین بوده و بر این مبنا هم هیچوقت خودشان را آلوده نکرده البته به معنای بد به سیاست، هیچوقت وارد حزب ها و دسته ها و یا اینجور جهت گیریها نشده اند چون کارشان اصلاً یک کار فرهنگی بوده، کار معنوی و تحقیقاتی بوده و کار خودش را انجام میداده ...

اینجا توجه شنونده های محترم شما را به این جلب می کنم که اتفاقاتی که در مورد این جمعیت پیش می آید را مورد تحقیق و تفکر قرار بدهند. وقتی که طی این سالیان یک جمعی را که یک جمع فرهنگی بوده و کارش تحقیق بوده اینطور مورد فشار قرار می گیرد بطوریکه اعضای آن مرتب یا احضار می شوند یا بازجویی می شوند یا در زندانها هستند و یا خانواده هایشان مدام تهدید می شوند یا در خانه هایشان امنیت ندارند مدام دستگاه های شنود را می بینند که در خانه هایشان نصب شده مدام تعقیب می شوند. دیگر نمی توانند فعالیت کنند و از محل کارشان اخراج می شوند، کتابهایشان دیگر چاپ نمی شود، در نمایشگاهها نمی توانند شرکت کنند و مجبورند که کارهایشان را به شکل زیر زمینی انجام بدهند و هر دفعه هم که خواسته اند با مسئولین ارتباطی برقرار کنند نشده و برخورد مسئولین کشوری با آنها به این شکل بوده که یا آنها را طرد کردند یا سکوت کردند و یا به مدتهای طولانی فقط همینطور معطل شان کردند. چه انتظاری میشود از این جمعیت داشت؟ خوب بهر حال حق این جمعیت در حال ضایع شدن است، اگر قرار باشد که به هر کسی که می خواهد حق خودش را بگیرد برچسب سیاسی بچسبانند که خوب باید اینطور گفت که همه مردمهای دنیا گرایشهای سیاسی دارند. و همه سیاسی هستند و اصلاً نیست کسی که حالت سیاسی نداشته باشد... و این چیزی است که متأسفانه دارند پیش می آورند کما اینکه ما اکنون می بینیم که در بین طیفهای مختلف حامیان و کسانی که طرفدار استاد ایلیا و دیدگاههای ایشان هستند می بینیم که عده ای از اینکه بتوانند تاملی با مسئولین کشور خودشان داشته باشند کاملاً نا امید شدند، چون سالهاست که نامه نگاری می کنند و چقدر جلسات رو در رو داشتند هر جا که لازم بوده حضور پیدا کردند توضیح دادند و هیچ کار غیرقانونی در هیچ زاویه از کارشان وجود نداشته، حتی یک مدرک بر ضد جمعیت ال یاسین و یا استاد ایلیا وجود نداشته و حال چرا این برخوردها را با اینها داشتند این خود جای باز کردن دارد.

در اینجا ما به وضوح می بینیم که طیفهای حمایتی مختلف به خصوص بعد از دستگیری دوم استاد ایلپا شروع به منتشر کردن یک سری از کتابها کرده اند که خوب همه اینها میتواند از طرف مامورین دایره مذاهب اطلاعات به این تعبیر شود که اینها آدمهای سیاسی هستند. یا بعدها ممکنه البته چیزهای دیگری پیش بیاد که اینها همه واکنشی است نسبت به برخوردهای همین نهاد که به اسم امنیت مردم، ضد ارزشهای اصیل اسلامی- قرانی و انسانی عمل کردند. نهادی به اسم دایره مذاهب وزارت اطلاعات یا اداره برخورد با ادیان و فرق، خوب ما در طی این سالها توقع مان این بوده که ما جمعیت ال یاسین که از حداقل حقوق ارزشهای پذیرفته شده دین اسلام که دین رسمی ان کشور هست و حقوقی که حقوق قانونی ماست برخوردار باشیم. شما وقتی به ما مجوز دادید و ما را کاملاً بررسی و گزینش کردید و به ما مجوزی دادید و ما داریم در چهارچوب قانونی مطالب خودمان را منتشر می کنیم ... چه دلیلی دارد که یکدفعه یک نامه بیاید که کلاً نشریه لغو مجوز شد! چرا؟ چون فقط انتساب دارد به استاد ایلپا؟! البته اینرا قبلاً به این وضوح نمی گفتند.

این نوع برخوردها، این نوع زندانی کردنها و این نوع شکنجه ها و کلاً کارهای که اینها با استاد ایلپا و جمعیت ال یاسین کردند در هیچ جای قانون اساسی اون کشور هم نیامده و حتی از دید قانون اساسی همان کشور هم این کار محکوم است. این کار ماموران اداره مذاهب را فقط از روی مبنای عملکردشان می گویم چونکه ما با کار آنها آشنایی نداشتیم و برعکس قبل از اینکه این برخوردها پیش بیاید خیلی هم به آنها خوش بین بودیم ولی متأسفانه چیزی که ما از مامورین و مسئولین دایره مذاهب دیدیم فقط تحریف بوده، فقط دروغ سازی بوده و کارهایی بوده که تماماً و از پایه بر ضد اسلام بوده ضد قرآن و قانون اساسی بوده و بعد چگونه این ادعا را دارند که ما از اسلام و قرآن و کشور و امنیت کشور دفاع می کنیم؟ این چه ادعای پوچی است که آنها دارند؟ حالا خود این مامورین و مسئولین وزارت اطلاعات میایند و این دلیل را مطرح می کنند که ما این برخورد با استاد ایلپا را بنا بر خواست و دستور جمعی از مقامات ارشد مذهبی انجام می دهیم. البته اینها روششان دروغ گفتن هست و خود جای سوال دارد. به این دلیل که یک سری ابهاماتی در این زمینه هست که بر فرض استاد ایلپا، کسی که هنوز حتی یک مدرک ضد ایشان وجود ندارد هنوز هیچ محاکمه ای نشده و هیچ موردی را تا بحال نداشته که به اثبات رسیده باشد حتی یک مورد کوچک که بر فرض ایشان غیر قانونی عمل کرده وجود ندارد. علیرغم اینکه اینها برضد استاد ایلپا در روزنامه های افراطی معلوم الحال فراخوانهای چند باره گذاشتند که مردم بروند در شعبه ویژه دادگاه بر ضد ایشان شکایت بکنند ولی حتی یک مورد را

هم پیدا نکردند ولی ما متأسفانه می بینیم که روحانیون ما در پشت تریبونها می ایستند و ضد ایشان بد می گویند! اساس روحانیت در چیست؟ اساس روحانیت به قرآن است. قرآن چه می گوید و توصیه آن چیست؟ آیا قرآن گفته که بروید دروغ بگوئید و اینکارها را با همون خودتان بکنید؟ واقعاً این چیز نیست که خود جای ابهام دارد البته اینرا فقط در مورد با این بخش از کار می گویم. اینجا اشاره می کنم به کارهایی که از طرف طیفهای مختلف دیدیم. کمیته ای هست بنام "کمیته گزارشگران ال یاسین" که دو جلد کتاب منتشر کرده اند به نام "مستندات سیاه از دایره مذاهب وزارت اطلاعات" و انجمنی به نام انجمن دفاع از "اقلیتهای مذهبی و جنبشهای معنوی" باز دو کتاب را منتشر کرده که این کتابها همه به صورت الکترونیک می باشد و دوستان می توانند آنها در سطح اینترنت پیدا کنند.

کتابی است به اسم "اعلامیه ضد بشر" و کتاب دوم بنام "انحراف شناسی دایره مذاهب" که خوب خیلی نکات جالبی در این کتاب مطرح شده که به عنوان مستندات میتوانم به آنها اشاره کنم. در هر صورت امیدواریم که همه افراد کشورمان هرچه زودتر با تمام وجود سیاسی بشوند و در مقابل این عده مردم زورگو و فریبکار که مرتب باعث آزار مردمند بایستند و از حقشان و از کرامت انسانی خودشان دفاع کنند.

خانم یلدا نورشاهی می خواستم بدانم که مخاطبان ایشان از چه قشری بودند و حال اشاره ای هم کردید که جلساتشان در کجا ها و به چه نحوی اجرا می شده، ممکنه لطف کنید و بفرمایید که مخاطبانشان معمولاً از چه قشرهایی هستند؟

- مخاطبان ایشان اگر به صورت عمده بخواهم بگویم، جوانها هستند و اهل فرهنگ و اهل قلم بیشتر در همین زمینه هستند. اما وقتی شما به جلسات ایشان نگاه می کنید یا وقتی فیلم هاشون را می بینید همه نوع مخاطب را در آنجا می بینید. از پیرمرد نود ساله بوده تا حتی بچه ها که در جلسات مختلف بوده اند و در پای صحبتهای ایشان نشسته اند... فقیر بودند، ثروتمند بودند... زن بودند مرد بودند... پیر بودند جوان بودند، باسواد یا بی سواد بودند ولی یک چیز عمده ای را که می توانم بگویم اکثر کسانی که خیلی بدنبال مطالب ایشان بودند کسانی بودند که به نوعی حالت دین گریزی (دلسردی از مذهب) داشتند. این چیزی بوده که ما در میان مخاطبان ایشان تا به الان دیدیم. و خوب همانطور که گفتیم کسانی که بیشتر اهل فرهنگ بودند و اکثراً هم جوان البته اینرا من به صورت برآیندی خدمتتان می گویم.

سپاسگزاریم. به اتهامات ایشان اشاره کردید در مورد اینکه باز طبق معمول که همواره هم از این کج گویی ها ، حمله ها و از این افتراها استفاده می کنند و بکار می برند مثل اقدام علیه امنیت ملی، منافع ملی، که خود این یک جرم بزرگی هم هست، آیا غیر از این اتهام ، اتهام دیگری هم به ایشان زده شده یا خیر؟

- الان این چیزی است که در پرونده شان هست و البته هیچ دلیلی هم برایش وجود ندارد. تنها مسئله همان مسئله دیدگاههای ایشان است که با آن مسئله دارند کما اینکه به ما قبلاً هم گفته بودند که ایشان سعی داشته در دین بدعت گذاری کنند و یا اینکه رویه مسیحیت گرایی داشتند. چرا که به ادیان دیگر هم احترام می گذاشتند و کلاً به فرض اینرا می توانم بگویم که طرفدار این بودند که پیوندی و توافقی در بین ادیان صورت بگیرد. نظر ایشان این بوده که ریشه بسیاری از مسائل جهانی همان اختلافات ایدئولوژیک است که با برقراری پیوند بین ادیان بزرگ مثل اسلام و مسیحیت و یهود بسیاری از این مسائل حل میشود. و خوب در آنجا بود که نظریه خودشان را در این مورد مطرح کردند. همینطور در مورد پیوند تمدنها ، ما از ایشان نظریاتی را داشتیم. همین بیان دیدگاههای ایشان بود که همه باعث شد بعدها به ایشان گفتند که تو تلاش برای استحاله دینی داشتی و برای پیوند برقرار کردن بین دین اسلام، مسیحیت و یهود تلاش می کردی... این باز یکی دیگر از اتهاماتی بود که در مورد ایشان مطرح می کردند. یا اینکه توهین به مقدسات و خوب این اواخر هم که خیلی دارند روی آن مانور می دهند مسئله فرقه سازی هست که گفته اند شما سعی کردید تا یک فرقه را بوجود آوردید.

سپاسگزار. لطف بفرمایید بگویید که ایشان الان در کجا هستند و چه شرایطی دارند؟

- متأسفانه ایشان الان بیش از 3 ماه یعنی از تاریخ 25 دی ماه سال گذشته ، سال 1387 به یک جلسه احضار بصورت تلفنی خوانده شدند و رفتند آنجا و دیگر از آن تاریخ برنگشتند و تا بیشتر از یکماه ما هیچ خبری از ایشان نداشتیم و بعد از مدتی خبر دار شدیم که در بند 209 هستند و وضعیت جسمی بسیار وخیمی دارند. یعنی آن عوارض مشکوکی که در طی تزریقات مشکوک تری که در سال 86 در بند 209 زندان اوین در مورد ایشان انجام شده بود که خونریزهای شدید از ناحیه گوش و بینی یا تهوع های مکرر خونی و یا دیده شدن خون در ادرار بوده، این بار به صورت شدیدتر بازگشته و در حال حاضر ایشان اصلاً در وضعیت جسمی

خوبی نیست. ایشان تا روزهای آخر سال 1387 اجازه داشتن وکیل را نداشته ولی همانطور که گفتیم در روزهای آخر سال 87 آقای اولیایی فر وکالت ایشان را بعهدہ گرفته اند و تا جایی که ما اطلاع داریم هنوز هم اجازه ملاقات با ایشان را نداشتند. این وضعیت کنونی خودشان بود.

برای اینکه کمی بیشتر در جریان قرار بگیرید که سابقه این برخوردها با ایشان چه بوده، من سعی می کنم بصورت خیلی خلاصه بازگو کنم، این برخوردها را می توانم به چهار بخش تقسیم کنم، یکی دوره قبل از دستگیری ها، یکی دستگیری اول و دوره بین دو دستگیری و این دستگیری آخر که همان شرایط کنونی ایشان است. استاد ایلیا از سالهای پیش، بارها و بارها مورد برخوردهای خشن و مشکوکی از طرف افراد و گروههای تندرو مذهبی و رسانه ها واقع شدند که بطور شاخص تر می توانیم به این اشاره کنیم که در سال 84 یکی از روزنامه های افراطی معلوم الحال شروع کرد به چاپ یکسری مطالب تخریبی ضد ایشان و بعد از آن همکاری با نهادی که خود تشکیل شده بود از چهار نهاد بزرگ امنیتی - فرهنگی که همین دایره مذاهب وزارت اطلاعات که کارش هم اینطور تعریف شده بود که کلاً با اقلیتهای دینی و جریانهای معنوی و دگراندیشان برخورد کنند. در همکاری با این نهاد آنها یک فراخوان را بر ضد استاد ترتیب دادند بهمراه یک مطلب سراسر دروغ و برای چند ماه از مردم خواستند که بیایند در شعبه ویژه و بر ضد ایشان شکایت کنند که البته پرونده بعد از چند ماه مختومه اعلام شد. این شد دوره اول.

قبل از اینها زمینه سازی هایی بود که دایره مذاهب وزارت اطلاعات از طریق رسانه ها انجام میداد تا اول ذهنیت مثبت را به ایشان بد کنند. بعد در تاریخ 7 خرداد سال 86، ایشان را با یک وضعیت بسیار خشونت بار و زنده دستگیر کردند. طوری ایشان را دستگیر کرده بودند در جلوی چشم کودک 2 ساله اش که این بچه که الان نزدیک به 4 سالش است دچار اختلالات رفتاری شده. فقط بخاطر اینکه دیده با پدرش چگونه رفتار کردند و در این مدت مدتهای طولانی

پیش می آمد که نمی توانست پدر خودش را ببیند و از اینکه خیلی به پدرش علاقه داشت حال دچار اختلالاتی شده که باید تحت مداوا باشد. و بعد ایشان را دستگیر

کردند و به اوین بردند و بیشتر از 5 ماه در زندان انفرادی نگاه داشتند. در کل 6 ماه در زندان بودند که البته قانوناً بیشتر از آن نمیشد که در بازداشت باشند چون هیچ دلیل یا مدرکی نداشتند و تا آنجایی که ما خبر داریم در زندان بیشتر از 104 جلسه بازجویی داشتند، که همان جلسات تفتیش عقاید بوده و در ماه ششم این خبر به بیرون از زندان درز پیدا کرد که وضعیت جسمانی ایشان اصلاً خوب نیست و گویا تزییقات مشکوکی بر روی ایشان انجام میشود که البته این از ماه اول شروع شده بود و عوارض آن به شکل خونریزی های گسترده بوده که قبلاً گفتیم و همان باعث شد که یک سری اطلاع رسانی ها در رسانه های خارج از کشور شروع شود و چیزی که اینجا بسیار جای تاکید دارد این بوده که در مدتی که ایشان زندانی بود، مامورین دایره مذاهب وزارت اطلاعات به ایشان می گفتند که ما این برخوردها را داریم بنا به خواست و تصمیم بعضی از مقامات ارشد مذهبی با شما انجام می دهیم و البته بعدها اسم یکی از این روحانیون هم مطرح شده بود، گویا کسی است که رئیس یکی از دانشگاههای معروف ایران هست و آنجا دانشگاهی است که خیلی از مسئولین ایران از آنجا فارغ التحصیل می شوند. بهر حال در آنجا اینرا با استاد مطرح کرده بودند که تو باید بنام حکومت اسلامی یک چک سفید امضا به ما بدهید.

خانم یلدا نورشاهی شما چرا این اسامی را اعلام نمی کنید؟

- همه اینها را که الان ما بصورت مبهم بیان می کنیم، به موقعش اگر لازم باشد (همراه) با تمام مستندات که داریم بیان خواهیم کرد.

خانم اینها همه لازمه، برای شفاف کردن موضوع همه اینها لازمه. تمام این ستم هایی را که در این جامعه اعمال میشود باید آشکار کرد و دیوار این سانسور را

دیوار این خفقان و اختناق فرو ریزد و در شرایط بسیار بازی این مسائل مطرح و بیان شود. خانم نورشاهی لطفاً ادامه دهید.

- این چیزی بوده که ما از طرف دایره مذاهب وزارت اطلاعات داشتیم که باید به حکومت یک چک سفید امضاء بدهید حالا آن چک سفید امضاء چه بود؟ اینکه از استاد ایلپا خواسته بودند که برود جلوی دوربین و آنجا اعتراف کند که آدم بدی بوده، شاید بوده، قصد اقدام علیه حکومت را داشته و یا صحبت‌هایی از این قبیل و دست به خود محکومی بزند و اینطور برای ایشان مطرح کرده بودند که مهم نیست اگر همه این حرفها دروغ باشد، مهم اینه که ما با اعتبار به حکومت اسلامی اینرا می‌گوییم و شما هم باید اینکار را انجام بدهی. و اگر که انجامش ندهید تعدادی از نزدیکان و شاگردانت را با مجازاتهای سنگینی مثل اعدام روبرو خواهیم کرد. البته در آن زمان و قبل از آنهم آقای فتاحی هیچوقت زیر بار دروغ نرفتند و بعد از اینهم نخواهند رفت. و کاری که آنها انجام دادند اقدام به ساخت یک بولتن مونتاژی بود، یعنی فیلمی را از روی فیلمهایی که از منزل ایشان به سرقت برده بودند تهیه کردند و تکه تکه های آن فیلم را بهم جسدانند و مونتاژ می کردند تا بتوانند یک پیام دروغین را برسانند. و خوب بعنوان مثال بگم که اگر آن بولتن بدستتان میرسید اینطور بود که ایشان در آن می گویند که من قصد تصرف حکومت اسلامی را داشتم، ولی فیلم اصلی به این شکل بوده که ایشان جایی نشسته و دارند صحبت می کنند و می گویند که شما از من می خواهید که بروم و در جلوی دوربین بشینم و بگویم که من قصد تصرف حکومت اسلامی را داشتم ولی ... بقیه جمله آنها همین یک تکه از جمله من قصد تصرف حکومت اسلامی را داشتم از آن برداشته بودند و اینرا بعنوان اعترافات ایشان پخش کرده بودند بین مسئولین! و بعد هم توسط واسطه هایشان بین مردم! یعنی آمده بودند نقل قولها را کرده بودند اصل قول. و این چیزی بود که در همان دوره اول زندان ما دیدیم.

در دوره سوم که- من آنرا به چهار دوره تقسیم کردم-، پس از یک دوره 6 ماهه، ایشان با یک وضعیت جسمانی خیلی وخیمی از زندان بیرون آمدند و در شرایطی مثل شرایط حبس خانگی قرار گرفتند. یعنی حق خروج از کشور را نداشتند. حق تحقیق، سخنرانی، نوشتن و ارتباط با دیگران را نداشتند و همه این حقوق از ایشان گرفته شد و مدام هم تهدیدهایی از طرف گروههای تندرو مذهبی داشتند و این زمان درست همراه بود با شدت گرفتن تخریبهای رسانه ای و تخریب شخصیتی. و باز به این اشاره می کنم که این کار طبق قوانین خود ایران یک جرم محسوب می شود. وقتی که در این مورد هیچ مدرکی ضد ایشان نیست

و هیچ اتهامی هم ثابت نشده ، هیچ رسانه ای حق این را ندارد که از کسی بد بگوید. ولی ما می بینیم که هزینه های گزافی صرف اینکه بدگویی از ایشان کرده اند، وب سایتها و وبلاگ هایی راه اندازی کردند. در بسیاری از نشریات چیزهای بدی از ایشان نوشتند که البته سراسر همه دروغ بود و تحریف. اینها همه بعد در کتابها منتشر شد. ما اینها را امروز از صدا سیمای ایران می بینیم و همینطور یک سری تهاجمات و حملات تریبونی از طرف بعضی از روحانیون که این دیگر واقعاً جای تعجب داشت. و همچنین کتابهایی ضد ایشان نوشتند ، سریالهای تلویزیونی ساختند .

بین این دو بار زندانی بیش از 30 بار احضار شدند به دایره مذاهب وزارت اطلاعات و در جلسه 30 ام احضارشان که در اواخر مهر ماه سال 1387 مربوط به فرستادن یک نامه به رهبری بود، مسئولین دایره مذاهب اینرا قبلاً گفته بودند که هیچ اطلاعاتی مربوط به شما نباید به مسئولین منتقل بشود . بخاطر اینکه خودشان میدانستند دارند چکاری دارند میکنند، بخاطر اینکه ممکن بود کسی به کارهایشان شک میکرد و آنرا مورد بررسی قرار میداد. و خوب دیده بودند که نامه ای به رهبری رفته. در آنجا استاد ایلپا جواب داده بودند که من این نامه را ننوشتیم ولی جزئیات این نامه که شما دارید می گوئید راست و درست و مستند است. که در آنجا مامورین به شدت ایشان را مورد ضرب و شتم باطوم و شوکر قرار دادند. طوری که ایشان بعد از آن جلسه بستری شدند. جای اشاره دارد که در این فاصله بین دوبار دستگیری ایشان ، برادر خودشان آقای رامین فتاحی را هم از دست دادند.

برادر ایشان آقای رامین فتاحی هم که در این رابطه دستگیر شده بودند و دلیل دستگیری شان هم این بود که بخواهد جرم سازی بکند علیه آقای پیمان فتاحی. که ایشان هم در همان ایام دچار بیماری مشکوک اختلالات کلیوی شده و بعد در بهداری زندان اوین بستری شدند و بعد به خانواده و برادرهای دیگر ایشان گفته بودند که در این مورد نباید با هیچ رسانه ای صحبت کنند که در نهایت هم بعد از مدتی آزادی از زندان ایشان فوت کردند. بدلیل این مرگ مشکوک و اینکه قبل از آن مشکل خاصی نبود، خانواده ایشان خواسته بودند که کالبد شکافی انجام شود ولی مامورین وزارت اطلاعات گفتند که جسد باید سریع دفن شود و ما اجازه کالبد شکافی نمیدهیم چون این جزو اسرار امنیتی هست .

در بخش چهارم هم به این اشاره کنم که در 25 دی ماه بود که ایشان را دوباره دستگیر کردند و الان چیزی که برای ما خیلی جای نگرانی دارد، وضعیت جسمی ایشان است. چون میدانیم که ایشان اصلاً در وضعیت جسمی خوبی نیست

و معلوم نیست که این به کجا کشیده خواهد شد. شما خودتان بهتر در جریان هستید که اخیراً مرگ های مشکوکی را زندان داشتیم که البته قبلاً هم بوده ولی در حال حاضر این مسئله در زندانهای ایران شدت گرفته و این واقعاً جای رسیدگی دارد و الان بجز ایشان، خواهر خانم ایشان خانم نازی حسامی که مدیر نشر پاهو بودند، از همان تاریخ در زندان هستند. همینطور خانم میترا نجفی سخنگوی جمعیت ال یاسین در داخل ایران و آقایان مرتضی رسولیان و علی یار نیکفرمان. الان این دوستان ما از جمعیت ال یاسین در زندان اوین هستند و آخرین خبری هم که داشتیم مربوط بوده به 25 فروردین که در جلسه ای از دوستانمان که جلسه تفکری بوده در فرهنگسرای ملل، گویا مامورین دایره مذاهب وزارت اطلاعات به آنجا حمله کرده و افرادی را هم با خودشان برده بودند که دو نفر از افراد مسنی که در جلسه بودند نیاز به فوریتهای پزشکی پیدا کردند و خوب سخنران را با خودشان بردند و مورد بازجویی قرار دادند که باید تعهد بدهد که دیگر در این زمینه کاری انجام ندهد و اجازه اینرا ندارد که کلاس تفکری داشته باشد. به هر حال ما الان بسیار نگران وضعیت جسمانی ایشان هستیم و اینبار ما از تمام مسئولین ایران که خود از جزئیات این پرونده آگاه هستند را مسئول سلامتی و حفظ جان آقای پیمان فتاحی میدانیم که مورد این توطئه ها واقع شدند.

خانم نورشاهی ایشان چند سالشونه؟

- حدود 35 سال

خانم نورشاهی شما به تزییقات مشکوک اشاره کرده بودید. ممکنه کمی بیشتر در این موضوع توضیح دهید.

- ببینید البته طبق اخباری که بدست ما رسیده بوده که جزییاتش هنوز بدستمان نرسیده. ولی جزییاتش باید حتماً در جایی وجود داشته باشد. این اخبار که از طرف منابع موثق بدست ما رسیده، اکنون از طرف "کانون حقوق بشر جمعیت ال یاسین" هم منتشر شده بود که همه اینها بعداً مورد بررسی و اطلاع رسانی های خیلی گسترده تری قرار خواهد گرفت. ولی این موضوع را ما از روی عوارضی که دیده ایم از طرف کسانی که ایشان را دیده و در ارتباط با ایشان بوده اند و به فرض ایشان را به جایی انتقال میدادند، این عوارض را در ایشان

دیده بودند. اینها همه خیلی مشکوک بوده و همه میدیدند. این چیزی بود که آن را به شکل خبر داشتیم و مراکز بین المللی هم در این مورد واکنشی داشتند.

خانم نورشاهی آیا شدت گرفتن این فشارها را با نزدیکی زمان انتخابات در رابطه می دانید؟

- واقعیتش را بگویم، شدت گرفتن این فشارها بیشتر مربوط بوده به همین دوره سه چهار سال اخیر که ما فقط امیدوار هستیم با تغییراتی که احتمالاً در پی این انتخابات خواهد بود بشود که ما یک فضای بازتر فرهنگی در کشور داشته باشیم که در حداقل آن حقوق افراد رعایت شود. یعنی وقتی حق کسی اعم از حق فرهنگی و یا حتی به ایشان داده شد از نظر قانونی و قوانین همان کشور واقعاً به آن عمل شود و به این شکل نباشد که دیگران مورد ظلم قرار گیرند که بعد از آن حتی صدایشان به گوش هیچ مسئولی نرسد. متأسفانه این چیزی بوده که ما در طی این چند سال با آن مواجه بودیم و اکثر مسئولین با ما به این شکل برخورد کردند و خوب ما امیدوار هستیم که در این انتخابات تغییرات مثبتی را ببینیم و یک تغییرات اساسی در این زمینه باشد.

اشاره کردید به اولین دستگیری ایشان، ممکنه بفرمایید این دستگیری در چه تاریخی بوده است؟

- تاریخ 7 خرداد 1386.

این اولین دستگیری ایشان بود؟

- بله این اولین دستگیری ایشان بود و همانطور که گفتم 6 ماه هم در زندان بودند و سری دوم دستگیری هم که از 25 دیماه 87 تا بحال در زندان هستند که وضعیت خودشان و فرزندشان را هم که خدمتتان و اینکه فرزندشان به علت وابستگی که به پدرش داشته به بیماری به نام اضطراب جدایی دچار شده که تحت اکنون مراقبتهای پزشکی می باشد و حتی برای همسر ایشان خانم شهاب حسامی

تشکیل پرونده شده که البته ایشان الان با قرار وثیقه خارج از زندان هستند چون 2 بچه کوچک هم دارند حدود یکساله و چهار ساله و میدانیم که خودشان هم (خانم شهاب حسامی) هم از نظر جسمانی وضعیت خوبی ندارند و خبر داشتیم که مدت کوتاهی در بیمارستان بستری شده بودند. وضعیت خواهر خانمشان را هم که خدمتتان گفتم. این وضعیتی است که برای یک متفکر، تئوریسین و معلم ایرانی رقم زده شد. چرا؟ واقعاً این چرا جای مکث دارد که به چه دلیل با کسی که بهیچ عنوان هیچ جرمی را مرتکب نشده اینچنین برخورد شده این خودش واقعاً جای بررسی و تحلیل دارد. بخصوص کسی که در زندگی ایشان ما دیدیم که برای مدتی در سنین نوجوانی گرایشهای خیلی شدید مذهبی داشتند تا جایی که حتی جزئیات دین را رعایت می کردند. قاری قرآن بودند و تمام اصولش را رعایت می کردند...

ولی از آن حالت تندروی یکدفعه خارج شدند و ترجیح دادند حالت میانه روی داشته باشند که همه اینها بعداً قابل بررسی است که چه شد که این اتفاق افتاد. چرا؟ آیا به سوالات ایشان در مورد دین جواب داده نشد؟ یا اینکه دلایل دیگری وجود داشته در این زمینه و همه اینها بعدها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سپاسگزار. لطف کردید که در این گفتگو شرکت کردید و اگر مطلب دیگری نیست که من اینجا با شما خداحافظی می کنم.

- من بعنوان اختتام این برنامه این را می گویم که ما الان داریم اعلام می کنیم که جان آقای پیمان فتحی بخاطر برخوردهای دایره مذاهب وزارت اطلاعات در خطر است. ما از مسئولین ایران می خواهیم که به این قضیه نظارت مستقیم داشته باشند تا مبادا داستانهایی مانند داستان آقای امید میرصیافی و یا آقای حشمت ساران بخواهد تکرار بشود. ما از تمام مسئولین ایران می خواهیم که در حال حاضر که ایشان در زندان هستند، تامین کننده امنیت جانی و (سلامتی) وضعیت جسمانی ایشان باشند که در حال حاضر نیاز به مداوای خیلی سریع دارند.

امیدواریم تا گفتگوی بعدی با شما ایشان و همه گرفتاران بند بلا از این مخمصه ها رها شوند. و در ضمن هر چند که این رفت و آمدها و این نمایش انتخابات، و به اصطلاح انتخابات ها، روزنه ای بسته میشه یا باز... چشم خورد آب ز این یاغینها که بی تباران انبوهند و باز آرزو می کنیم روزی هرچه زودتر در ایران

یاسین تایمز: پایگاه خبری جمعیت ال یاسین

این آواز آزاد و مستقل همه هموطنان بدور از همه پلشتی و پلیدی در کنار هم با صلح و دوستی و برابری و عدالت زندگی کنند و میداد روزی که دهان کسی را ببویند مبادا گفته باشد که دوست داشتن و دوستی کار انسان است چه رسد به اینکه تفکرات و اندیشه های انسان ها را بجویند و تفتیش عقاید هزارها و صدها سال قبل را به ضرب داغ و درفش کنند. تا گفتگوی دیگر با شما بدرود می گیم و براتون اوقات خوشی را آرزو داریم.

- خیلی ممنونم از اینکه این فرصت را به من دادید و امیدوارم که موفق باشید.

اعلامیه های اخیر

• اعلام وضعیت بحرانی بازداشت شدگان جمعیت ال یاسین و درخواست کمک فوری از مراجع بین المللی

به نام آزادی و خدایی که انسان را آزاد آفرید

با درود

این درخواست عاجلانه جمعی از آزاداندیشان ایران برای یاری رساندن به زنان و مردانی است که ماههاست در زندان های ایران در معرض بدترین جنایات قرار گرفته اند. ما به عنوان گروه بزرگی از جامعه فعالان مدنی و فرهنگی ایران، بر اساس شواهد و مدارک، و اخبار موثق اعلام می کنیم سرکوبهای القاعده فرهنگی ایران به مرحله حاد و جنایتکارانه ای رسیده است و در این وضعیت بحرانی که جان عده ای از اهل قلم و فرهنگ ایران در خطر قرار گرفته، از شما درخواست کمک و حمایت فوری داریم.

گزارش های متعدد و موثق نشان می دهد سلامت جسمی- روانی و جان تعدادی از فعالان فرهنگی ایران از جمله آقایان پیمان فتاحی (رهبر جمعیت ال یاسین)، مرتضی رسولیان (از اعضای ارشد جمعیت ال یاسین)، علیر نیک فرمان (عضو مرکزی انجمن حرفه ای متفکران)، و خانمها نازی حسامی (مدیر نشر یاهو و سردبیر نشریه هنرهای زیستن) و میترا حاجی نجفی (مسئول نشر تعالیم حق و مدیر نشر حم) در زندان امنیتی 209 اوین در معرض خطر قرار گرفته و هر لحظه احتمال وقوع جنایتی خاموش و غیرقابل جبران می رود.

بر اساس اخبار و وقایع تکان دهنده ای که علاوه بر رسانه های معتبر خارجی¹ و گزارش های منتشره از سوی مراجعی چون سازمان عفو بین الملل، وزرات امور خارجه امریکا، اتحادیه اروپا و نهادهای حقوق بشری به دست ما رسیده، طی نود روزی که از بازداشت مجدد آقای پیمان فتاحی گذشته ایشان از کلیه حقوق اولیه از جمله حق مداوای پزشکی محروم بوده اند. با توجه به اینکه آقای فتاحی طی 6 ماه انفرادی در زمان اولین بازداشت، به دلیل تزیقهای مشکوک دچار مسمومیت شدید خونی شده اند و طبق معاینات پزشکی به شدت نیازمند مراقبتهای پزشکی هستند، وضعیت سلامتی ایشان بسیار نگران کننده است، به ویژه که احتمال تکرار تزیقات مشکوک نیز وجود دارد. این نگرانی به دلیل چند رخداد تکان دهنده دیگر در طول دو سال گذشته شدت یافته از جمله آنکه در

¹ برخی رسانه های منعکس کننده عبارتند از صدای امریکا، رادیو فردا، رادیو زمانه و خبرگزاری های و سایتهای مرتبط با موضوعات زنان و حقوق بشر

زمان اولین بازداشت آقای پیمان فتاحی (استاد ایلایا)، برادر ایشان (رامین فتاحی) نیز دستگیر و پس از مدتی به علت وخامت حال جسمی (ناشی از شکنجه) آزاد شد، اما با فاصله کوتاهی پس از آزادی به طرز مشکوکی فوت کرد. از طرفی در یکی از جلسات احضار آقای پیمان فتاحی (مورخ 87/7/28) مأموران دایره مذاهب اطلاعات در داخل اتاق بازجویی به ایشان هجوم برده و وی را بطرز وحشیانه ای با مشت و لگد، باتوم و شوکر الکتریکی مورد ضرب و شتم قرار دادند که حاصل آن خونریزی گسترده ای بود که به بستری شدن آقای پیمان فتاحی منجر گردید. این وقایع همراه با تهدیدات مکرر بازجویان امنیتی مبنی بر احتمال ترور و آسیب فیزیکی به آقای پیمان فتاحی توسط مأموران لباس شخصی، عامل نگرانی عمیقی از جانب خانواده و شاگردان ایشان شده است.

همچنین خانم نازی حسامی با توجه به سابقه ضعف جسمی- عصبی و اعتصاب غذا در اعتراض به فشارهای داخل زندان، بیش از یک ماه و نیم است که به گفته مأموران زندان در اثر وخامت حال به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شده اند اما هیچگونه اطلاعی از شرایط و محل بستری ایشان در دست نیست. اخباری نیز مبنی بر شکنجه های شدید جسمی به منظور گرفتن اعترافات دروغین از آقای مرتضی رسولیان منتشر شده است. متأسفانه پس از انتشار این اخبار و تا امروز نه وکیل و نه اعضای خانواده این افراد نتوانسته اند ملاقاتی با آنها داشته باشند. وضعیت فعلی همگی آنها نامعلوم بوده و احتمال وخیم تر شدن شرایط بسیار زیاد است.

ایران یکی از اعضای کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی است. بر اساس ماده هفتم این پیمان «هیچ کس نباید مورد مجازات و رفتارهایی که شکنجه یا اعمال بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده است قرار بگیرد» اما طی دو سال گذشته «دایره مذاهب وزارت اطلاعات»، در یک تمرّد آشکار نسبت به مجمع عمومی سازمان ملل، اتحادیه اروپا و سازمان های بین المللی حقوق بشر، به طور مستمر و برنامه ریزی شده ای در حال نقض گسترده قوانین حقوق بشر است.

منوعیت تماس و ملاقات با خانواده، عدم اطلاع و امکان حضور وکیل در پرونده، شکنجه های جسمی و روانی در طول بازجویی ها، جلسات تفتیش پر فشار و طولانی، استفاده از چشم بند، حبس طولانی مدت در انفرادی و استفاده از اهرم فشار خانوادگی از روش های ضدبشری دایره مذاهب بوده که همگی آنها در این مدت نسبت به آقای پیمان فتاحی و اعضای دستگیر شده ال یاسین بکار گرفته شده اند. فرزندان خردسال (یک و چهار ساله) آقای پیمان فتاحی بر اثر تنش های وارده دچار بیماری های روحی روانی شده اند که توسط چندین روانپزشک اطفال تایید شده است. دستگیری موقت خانم شهاب حسامی (همسر

آقای فتاحی) نیز به یکی از اهرمهای فشار برای شکنجه روانی همسر و خواهر ایشان تبدیل شده که هم اکنون در بازداشت اند. و همه این اقدامات ضد بشری تنها برای تفتیش عقاید رخ می دهد.

متأسفانه بی واکنشی مسئولان و رسانه ها در ایران به تشدید این وضعیت دامن زده و میدان را برای ادامه اقدامات جنایتکارانه و ضد بشری دستگاه امنیتی باز گذاشته است. روشن است که سکوت و عدم توجه مراجع معتبر بین المللی احتمال تکرار وقایعی مشابه مرحوم زهرا کاظمی، بنی یعقوب، حشمت ساران و میرصیافی را شدت می بخشد و بدیهی است که عدم حمایت نهادهای بین المللی از قربانیان این جنایات، به حادتر شدن وضعیت آزاداندیشان، بی ثمر ماندن تلاش های آنان برای احقاق حقوق خود در ایران، و متوقف یا کند شدن جنبشهای مدنی و مردمی برای رسیدن به ایرانی آزاد می انجامد.

ما بعنوان اعضای یکی از بزرگترین جمعیت های فرهنگی در ایران و خاورمیانه از شما می خواهیم برای رسیدن به درخواست های ذیل از ما حمایت نمایید:

1. آزادی هر چه سریعتر دستگیرشدگان که با وجود ماهها بازجویی، تفتیش منازل، شنود و مراقبت دائم، مدرکی دال بر اثبات اتهامات و مجرمیت آنها ارائه نشده است.
2. مداوای پزشکی آقای پیمان فتاحی در خارج از زندان توسط هیئت پزشکی مورد اعتماد ایشان و تحت نظارت ارگانهای ذیصلاح و وکلای مربوطه
3. تعیین وضعیت و محل بستری خانم نازی حسامی و فراهم شدن امکان ملاقات وکیل و اعضای خانواده (بعنوان یک اقدام فوری و ضروری)
4. برخورداری از حق ملاقات و تماس با خانواده برای دستگیر شدگان تا زمان آزادی
5. برخورداری از حق داشتن وکیل و ملاقات با وی
6. برگزاری دادگاه صالحه و ارائه مدارک، و برخورداری از حق دادرسی عادلانه و علنی

ما به پای بندی و احترام شما به حقوق بشر اعتقاد و اطمینان داریم و امیدواریم که شما با اتکاء به اعتبار بین المللی خود پشتیبان استوار ما در محدود کردن و سرانجام توقف نقض حقوق بشر و تفتیش عقاید در ایران باشید.

در پایان به نمایندگی از جمعیت فرهنگی ال یاسین مجدداً درخواست حمایت فوری و موثر آن مرجع محترم را تکرار نموده و منتظر اقدامات عاجل شما هستیم.

یاسین تایمز: پایگاه خبری جمعیت ال یاسین

به امید آزادی
کانون حقوق بشر و روابط بین الملل "آیا"
فروردین 1388 - آوریل 2009 میلادی

امضا کنندگان به نمایندگی از جمعیت ال یاسین:

انجمن حرفه ای متفکران و محققان
شورای نشریات جمعیت ال یاسین
نشر یاهو
نشر تعالیم حق
نشر حامیم
مدیر مسئولان و اعضای تحریریه های نشریات علوم باطنی، هنر زندگی متعالی،
هنرهای زیستن، علم موفقیت، حرکت دهندگان، تفکر متعالی
شورای نویسندگان و محققان یاسین (پیام)
انجمن جبهه طبیعت
شورای مترجمین یاسین
سازمان حامیان خارج از کشور
نهضت زنان جمعیت ال یاسین
جمعیت جوانان ال یاسین
کمپین حمایتی نازی حسامی
کمپین حمایتی میترا حاجی نجفی
کمیته گزارشگران ال یاسین
سازمان آزادی اندیشه یاسین (اولین سازمان مجازی- مردمی ضد تفتیش عقاید در
ایران)
نمایندگان کانون حقوق بشر و روابط بین الملل ال یاسین

88/2/10

• انعکاس وضعیت وخیم جسمانی آقای پیمان فتاحی؛ رهبر جوان جمعیت فرهنگی-معنوی ال یاسین در نشریات آمریکایی

نشریه آمریکایی "THE HUFFINGTON POST" منتشر شده در ماه آوریل، ضمن هشدار برای وضعیت وخیم جسمانی آقای پیمان فتاحی به بررسی و شرح فشارهای وارد بر این متفکر و تئوریسین جوان و همچنین اعضای دستگیر شده جمعیت ال یاسین پرداخت.

An Arrest Suggests Ahmadinejad Backstabbing Supreme Leader in Iran

If you have paid light attention to Iran over the past few years, you have learned the following facts: a) Iran is a theocracy with a terrible record on women's rights and human rights; b) Ahmadinejad, the new Iranian president, has made remarks that have outraged a range of different groups (justly or unjustly), from Jews to gays; c) Iran has been pursuing the enrichment of uranium, which the United States and Israel have been obsessing about since 2005; d) while there has been rigorous debate in the U.S. on whether or not to directly talk to Iran, the person who has the final word on everything is the Supreme Leader, Khamenei.

Many activists have been speaking up on various arrests of liberal activists by the Iranian regime, and in the case of the American-Iranian Journalist, Roxana Saberi, successfully pushed the Obama administration to speak up.

We now need to bring their attention to another recent arrest in Iran, not because an American citizen is involved, but because details of the case suggest that factions of individuals within Ahmadinejad's government -- with or without his personal knowledge -- have been actively working to keep the Supreme Leader, Ayatollah Khamenei, in the dark on a number of

domestic matters. If it is true, it is a significant development that suggests the Supreme Leader may not have as much control over all aspects of Iran's activities - including those that relate to foreign policy, such as support for HAMAS and Hezbollah, insurgents in Iraq or espionage activities in Western Europe and the United States - as experts on Iran have been assuming.

Payman Fattahi is the 36-year-old leader of El Yassin, a coalition of individuals, NGOs and publications that aims to raise awareness about various practical topics and "methods of thinking" in Iran with millions of readers that range from academics to common individuals.

The group has been active in Iran for nearly fifteen years and engaged in a range of activities, from conferences and speeches by Mr. Fattahi to publishing journals and publications through an extended network of publishing houses and NGOs throughout Iran. El Yassin boasts a following of 200,000 members.

Mr. Fattahi has been making speeches for many years, criticizing those who commit violence in the name of Islam and explaining his more nonviolent view of Islam and religion in general. Until 2005, he was allowed to operate freely. Upon Ahmadinejad's election in June of 2005 and the government's hard line turn, the government established a so-called "religions section" within the Information Ministry with the stated mission of "confronting religions and cults." In the name of this mission, they have engaged in arrests and maltreatment of religious minorities throughout Iran, such as Christians and Baha'is.

As part of this campaign, they began harassment of Mr. Fattahi, detaining him twice (once in 2007 for six months and once in January of 2009) with accusations that he was promoting "religious pluralism." During his first arrest, he was injected with suspicious substances that have led to his suffering from nose and ear bleeding, problems that he continues to deal with today. In the interim period between the two arrests, members of the Information Ministry brought him in for interrogations about 30 times and placed him under strict restrictions on movement, banned from engaging in any social or speech-making activities and had surveillance cameras installed at his house.

Since January, he has been held at Section 209 of Iran's Guantanamo-style Evin prison without charge and many visits permission by anyone, including his lawyer. He has only been granted to visits permissions, one of which was with his brother, who has revealed that Mr. Fattahi has lost significant weight and his health is in critical condition. Four other members of the group were also arrested shortly after Mr. Fattahi's arrest: Ms. Nazi Hesami, Mr. Morteza Rasoulia, Ms. Mitra Najafi and Mr. Aliyar Nikfarman.

Now here is what makes this case quite intriguing. During his last interrogation before his final arrest, members of the Information Ministry placed a letter in front of him and asked why Mr. Fattahi had tried to contact the Supreme Leader, Ayatollah Khamenei, with the letter that contained accounts of all the torture and mistreatment that he had endured. Mr. Fattahi has consistently denied having written such a letter, but the security agents told him that he should not have contacted the Supreme Leader and doing so was the reason for his arrest.

If this account is true, it reveals for the first time an attempt on

the part of the Iranian government to control the flow of information to the Supreme Leader and keep him in the dark. This is significant because if factions within the Iranian government have been successful in preventing even Iranians from contacting the Supreme Leader, there is every reason to believe that they are doing the same when it comes to Iran's international activities, including details of interactions with the United States.

We have to watch and speak up about the arrest of Mr. Fattahi for two important reasons: his health can be in potential danger right now and he can be subject to torture as other prisoners in Section 209 have been in the past, and his arrest indicates a crack between Ahmadinejad's government and the Supreme Leader, which can widen quickly and result in scattered outbreaks of violence throughout the country as we approach the Iranian elections in June.

88/2/12

**• تکذیبیه عضو شورای مرکزی جمعیت ال یاسین در باره اکاذیب منتشره در
سایت آینده نیوز**



با گذشت دو سال از آغاز تهاجمات دایره ادیان وزارت اطلاعات با استاد ایلیا (آقای پیمان فتاحی) و اعضای جمعیت ال یاسین، روز گذشته شاهد بکارگیری ترفندی جدید در تهاجم رسانه ای دستگاه امنیتی بر علیه رهبر و اعضای این جمعیت بودیم.

روز دهم اردیبهشت سال جاری سایت خبری «آینده نیوز» طی اقدامی غیرقانونی، مقاله ای جعلی و سراسر دروغ را به اسم دکتر پریس کی نژاد (یکی از اعضای شورای مرکزی جمعیت ال یاسین و سخنگوی کانون حقوق بشر و روابط بین الملل ال یاسین) منتشر نمود. مطلب مذکور که با قصد تخریب چهره استاد ایلیا و فعالان جمعیت تهیه شده حاوی خطوط مشابهی با اظهارات عاملان دایره مذاهب و بازجویان امنیتی است که بلافاصله توسط فرد مربوطه تکذیب گردید.

متن تکذیبیه به قرار زیر است:

به نام خدا

در تاریخ 10 اردیبهشت ماه 1388، مطلبی تحت عنوان «چگونه از دام رها شدم» در سایت آینده نیوز، به نام اینجانب پریس کی نژاد عضو شورای مرکزی جمعیت ال یاسین و مسئول گروه تحقیقات طب متعالی در انجمن حرفه ای متفکران و محققان منتشر گردید. در مقاله مورد اشاره، علاوه بر نسبت دادن موارد خلاف واقع به اینجانب، اکاذیب فراوانی از قول بنده به استاد ایلیا «میم» رهبر جمعیت ال یاسین، همسر ایشان (خانم شهاب حسامی) و اعضای جمعیت ال یاسین نسبت داده شده که بدینوسیله کلیه آنها را تکذیب کرده و اعلام می دارم که :

- 1- مقاله مورد اشاره جعلی بوده و توسط اینجانب تهیه و ارسال نشده است.
- 2- من، پریس کی نژاد، هرگز درخواست خروج از جمعیت ال یاسین را نداشته و ندارم.
- 3- اینجانب کماکان عضو شورای مرکزی جمعیت ال یاسین هستم و از جمعیت خارج نشده ام.
- 4- مصاحبه ای که حدود یکماه پیش به اسم اینجانب توسط پایگاه اطلاع رسانی تلاطم منتشر شد با خود بنده انجام شده و ساختگی نبوده است.
- 5- تاکنون هیچ دستنوشته یا مطلبی بدون اطلاع یا رضایت من توسط استاد ایلیا «میم» یا سایر دوستان و همکارانم در جمعیت ال یاسین منتشر نشده و یا مورد سوء استفاده قرار نگرفته است .
- 6- آنچه که در این مقاله و از قول بنده درباره فضای حاکم بر فعالیتها و ارتباطات کاری جمعیت ال یاسین منتشر شده مغایر با واقعیت، و کذب محض بوده و تراوشات مسموم ذهن دست اندرکاران تهیه این مقاله جعلی است که بدینوسیله آنرا را مردود اعلام می کنم.
- 7- عکسی که از اینجانب در مقاله درج شده برگرفته از جلسه مناظره بنده با مدعی و شاید بزرگ انرژی درمانی و مربوط به سال 1385 است و نشان سوء استفاده سایت «آینده نیوز» از مطالبی که در سال هشتاد و پنج در رسانه ها منتشر شده است.

8- اشاره به موضوع "ژنهای روحی" و تخصص بنده در "رشته ژنتیک" در مقاله فوق، اشتباه بارز و مغایر با واقعیتی است که تکرار آن از طریق تریبونهای مختلف، نشان از مشترک بودن منبع تهیه و انتشار این اکاذیب دارد.

لازم به ذکر است که این مطلب اولین بار در جلسه احضار بنده به دفتر پیگیری های وزارت اطلاعات و توسط بازجویان امنیتی مطرح گردید و اشاره مجدد به آن، در امتداد همان دروغپردازیهای بازجویان دایره مذاهب برای تخریب چهره استاد ایلپا «میم» (آقای پیمان فتاحی) و تکرار همان اکاذیبی است که توسط کارشناس جعلی برنامہ "این شبها" (آقای بهزاد نیلوفری) نیز مطرح شد.

بدیهی است که اینجانب حق پیگرد قانونی سایت آینده نیوز به جرم نشر اکاذیب را برای خود محفوظ دانسته و علاوه بر اقدام قانونی، در نزدیکترین زمان ممکن از طریق رسانه های بین المللی پاسخی مقتضی به این اقدام جسورانه عاملان تهیه و انتشار این اکاذیب خواهم داد.

پریس کی نژاد

عضو شورای مرکزی جمعیت ال یاسین- مسئول گروه تحقیقات طب متعالی

اول ماه مه 2009 میلادی - دهم اردیبهشت 1388 شمسی

به نظر می رسد که با گذشت بیش از یکصد روز از دستگیری مجدد آقای پیمان فتاحی و 4 تن از اعضای ارشد جمعیت ال یاسین و به دلیل مقاومت جمعیت در برابر تهدیدها و فشارها و نیز واکنشهای اعضا نسبت به دستگیری ها و رفتارهای ناعادلانه در سیر این پرونده، عوامل دایره مذاهب این بار از روشی ناشیانه و با منتسب کردن مطالب کذب به یکی از اعضای مرکزی جمعیت قصد تضعیف روحیه اعضای این مجموعه و ایجاد شکاف بین آنها را دارد.

سازمان حامیان ایلینا در خارج از کشور

May 01, 2009

88/2/17

• جمعیت ال یاسین در خبرگزاری بین المللی آی-اس-پی

احتمال پخش اعترافات رکسانا صابری و توجه جهانی بر روی این موضوع خاص، باعث علاقه مندی خبرگزاری ها به موضوع اعترافات جعلی در ایران شده است. این موضوع محملی برای تهیه گزارشی در خصوص این اعترافات جعلی در ایران شد. به خصوص که به لطف ماموران اداره ادیان و فرق وزارت اطلاعات مستندات موضوع هم فراوانند. متن زیر حاوی گزارش خبرگزاری ips درباره استاد ایلینا و جمعیت ال یاسین است:

Ale Yassin has reason to be concerned about fake confessions since the group's leader, Payman Fattahi, is a well-known victim. AI said in a report "Payman Fattahi, the leader of a group known as the Ale Yassin, was arrested on Jan. 14, 2009 after being summoned to an interrogation session at the department for dealing with religions in the ministry of intelligence".

Payman Fattahi had previously spent about five months in detention after his arrest in May, during which he was reportedly tortured and interrogated about a variety of alleged offences, including acting against state security, establishing a sect, and promoting Christianity and atheism," the AI report said. "The group has also been vilified in state-owned press.

ادامه مطلب در:

<http://www.ipsnews.net/news.asp?idnews=46713>

ياسين تايمز: پايگاه خبري جمعيت ال ياسين

پايگاه جامع خبري جمعيت ال ياسين

www.yaasin-times.blogfa.com

ارتباط با ما

yaasin.times@gmail.com